



کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

۵۰ ریال

۲۵ شهریور ماه ۱۳۶۳

سال اول - شماره ۱۲

وحدت کمونیستی و اندرزهای لیبرالی

تیوهای رژیم جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. این نوشته نشان میدهد که برای وحدت کمونیستی "تدارک انقلاب سوسیالیستی" در تئوری، ابزاری برای پوشش لیبرالیسم خود در سیاست است. سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی برای وحدت کمونیستی تنها یک لباس است که دربر خورنده بورژوازی و لیبرالها آنرا به آسانی وبه قیمت کسب مقام نامخ مشا ورت آنها از تن بیرون می آورد، به اصل خودش رجعت می کند، بازبان اصلی و لیبرالی خودش با شورای ملی مقاومت سخن می گوید و به او پند بقیه در صفحه ۷

"اندیشه‌هایی" نشریه خارج از کشور را زمان وحدت کمونیستی در شماره اول خود (اسفند ۶۲) قسمت اول مقاله دنباله داری راه نام "شورای ملی مقاومت تنها آلترنا تیبود موکراتیک؟" به چاپ رسانده که قرار است در ادامه آن موقعیت و شان سه قدرت رسیدن هر یک از آلترنا -

پیش نویس جدید قانون کار

چه می گوید؟

کارگران چه میخواهند؟

ضمیمه کمونیست ۱۲ منتشر می شود

نگاهی به برخی جنبه های امنیتی فعالیت حوزه های حزبی

از ۳۰ خرداد ۶۰ تا کنون تغییرات جدی و مهمی در موقعیت و محیط امنیتی فعالیت ما در شهرها بوجود آمده است. نوع و کیفیت خطرانی که متوجه فعالین و سازمانهای حزب است، اشکال مواجهه مداوم ما با پلیس سیاسی و موازین و ضوابطی که برای حفظ امنیت و ادامه کاری تشکیلات با بد بکار بیندیم نیز به همین نسبت تغییر کرده است. دو عامل در این تغییرات نقش اساسی داشته اند. اول هجوم همه جانبه جمهوری اسلامی به جنبش کارگری و کمونیستی، به سازمانها و کارها، به امکانات فعالیت علمی و استقرار جو سرکوب و ترور فاشیستی در کل جامعه و دوم، حرکت آگاهانه خود ما در چند سال گذشته در جهت روی آوری به کار متشکل و پایداری در درون طبقه کارگر. این جهت گیری بقیه در صفحه ۲



در کردستان انقلابی...



پاسخ به نامه ها

صفحه ۲۱

بیاد رفیق فواد مصطفی سلطانی
چهره شناخته شده جنبش کمونیستی
و رهبر زحمتکشان کردستان

صفحه ۱۲

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه اول نگاه می‌به... تشکیلاتی به طبقه از چند ماه پیش از ۳۰ خرداد در منای نقد روبرو تعمیق ما از براتیک سیاسی - تشکیلاتی به پولیستی در مفسوف ما در کسبم انقلابی آغاز شده بود. ما در عین حال واقف بودیم که این تغییر روش سیاسی، مستقیماً بر استحکام امنیتی ما نیز تا ثیر خواهد گذاشت. اما این حرکت، که عمدتاً به شکل تجدید آرایش و تجدید سازمان نیروهای موجود در شکل حوزه‌های محل زیست و کارگزاران صورت می‌گرفت، دیرتر از آن آغاز شده بود که بتواند پیش از آغاز موج بورس‌های ۳۰ خرداد به بعد خصوصیات اساسی فعالیت ما را دگرگون کند. بدین ترتیب این پروسه عملی ما با بست دردل عموم و جنبانه جمهوری اسلامی و در جبهه اختناق روزافزون و مخاطرات امنیتی فراوان ادامه یافت. مخاطراتی که عمدتاً میراث شیوه‌های کهنه فعالیت ما بود. نقطه عطف اصلی در اطلاع روش فعالیت و ساختار تشکیلاتی (که اینک دیگر حقا نیت خود را نه تنها در بعد طبقاتی بلکه در بعد امنیتی نیز به ثبوت رسانیده بود) به دنبال پایان کنکوره اول اتحاد مبارزان کمونیست بوجود آمد. تجدید سازمان نیروهای ضربه‌خورده جریانات مختلف مارکسیسم انقلابی و گسترش مجدد فعالیت بر منای حوزه‌های حزبی در محمل زیست و کارگزاران و زحماتشان تحت رهبری یک مرجع سازماندهی واحد، ما هم قبل از تشکیل عملی حزب کمونیست ایران در دستور کار

ما قرار گرفته بود. امروز، ۳ سال پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، این حرکت و جهت‌گیری نتایج مثبت (اگر نه ایده‌آل) خود را به ما آورده است. بدین ترتیب ثفا و ثهای اصلی زیر، که جنبه امنیتی فعالیت ما را نیز تحت تا ثیر قرار می‌دهد، به نسبت سه سال قبل در وضعیت تشکیلاتی و عملی ما بوجود آمده است.

۱ - بافت و محیط طبقاتی فعالیت رفقا و واحدهای حزبی ما بطور جدی دگرگون شده است. امروز اکثریت قابل ملاحظه فعالین ما در شهرها را نه روشنفکران انقلابی، بلکه کارگران و انقلابیون حرفه‌ای که مستقیماً در محیط‌های کارگری فعالیت می‌کنند، تشکیل می‌دهند، بدین ترتیب اولاً نوع فعالیت روزمره واحدهای ما تغییر کرده است و پیش از پیش از قالب شکل سابق رایج تبلیغ و ترویج بیرون‌گرا به طبقه‌خارج شده و صورت کار مستمر درونی ما طبقه‌را بخود گرفته است. ثانیاً، به غیر از نشریات مرکزی و رادیه‌های حزب که وظیفه تبلیغ و ترویج سراسری را بر عهده دارند، بخش عمده تبلیغات محلی ما بصورت ثفا هی و حضوری در محافل و روابط کارگری انجام می‌گیرد. (بدیهی است که حرکت برای سازماندهی تبلیغات کتبی و نشر اوراق تبلیغی در سطح محلی در آینده در دستور عمومی ما قرار خواهد گرفت. اما این زمان هنوز نرسیده است، و امروز این دستور العمل حوزه‌ها بطور کلی نیست. تبلیغ کتبی و انتشار نشریات محلی توسط حوزه‌ها و واحدهای محلی در مقطع کنونی تنها

با تا ثیر رهبری حزب ما (است) و ثالثاً، بعد سیاسی تعامس با کارگران (یعنی جنبه‌های مربوط به تبادل نظر، ترویج و اقتناع سیاسی، به نسبت بعد فنی آن، یعنی چگونگی برقرار کردن این تعامس بصورت ادا مه‌کار توسط فعالین حزبی) از برجستگی بیشتری برخوردار شده است. عبارت دیگر "تعامس گرفتن" با کارگران (که معطل سازماندهی پوپولیست بود) برای ما ساده‌تر شده است و آموزش و اقتناع کارگران و زنده‌بیشتری یافته است.

۲ - مساله امنیتی درجه یک سازماندهی روشنفکری قبل از ۳۰ خرداد، یعنی مساله هویت اجتماعی فعالین (داشتن شغل، مسکن، مکان اجتماعی، اوراق هویتی محکم، روابط عادی و غیره) برای ما امروز تا حدود بسیار زیادی حل شده است. حزب از میان کارگران نیرو جذب کرده است بجای تکیه بر فعالین فاقد هویت اجتماعی (خصوصیتی که در حزب به "مربخی" بودن، یعنی بیگانگی با گره‌ارض و زندگی زمینی مشهور شده است)، امروز حزب ما عمدتاً بر فعالین متکی است که دارای هویت اجتماعی واقعی، حافظه و با ثباتی هستند.

۳ - سازماندهی هرمی (با ارتقاءات و سلسله مراتب عمودی)، سازماندهی مفسعل و "ثانه‌ای" جایگزین شده است. بدیهی است که این لروما یک نکا مل در ساختار سازمانی نیست، بلکه یک انطباق اصولی و درست با اوضاع عملی

موجود است. ساختن تشکیلاتی حزب، با قدرت گرفتن و رشد و افزایش پایه‌های اصلی آن (حوزه‌های محل زیست و کار) و بسا گسترش نفوذ حزب در میان توده‌های طبقه‌های پدیده‌ها بنا بر دو راهی سمت یک سازماندهی هرمی حرکت کند. اما تا کیدمی کنیم کدامین سیاست امروز ما نیست. ما امروز، و تا زمانی که مجموعه عوامل برای ترکیب هرمی واحدهای حزبی، یعنی ایجاد یک سلسله مراتب بهم پیوسته از حوزه‌ها تا رهبری حزب (ایجاد کمیته‌های کارخانه، بخش، شهر و غیره) آماده و مساعد نگردد همچنان بر فرم سازمانی ثابتهای و منفصل تکیه می‌کنیم. اساس این فرم تشکیلاتی ایجاد و افزایش مداوم حوزه‌های حزبی است که هر یک را با توسط عالیترین ارگانهای اجرایی و سیاسی حزب هدایت می‌شوند. رفقای ما ایجاد از ترکیب حوزه‌های پایه و ایجاد اشکال ترکیبی و هرمی سازمانی و سلسله مراتب عمودی بهم پیوسته منع شده‌اند. از تماس افقی میان حوزه‌های حزبی اجتناب میشود و گسترش فعالیتات ما با بصورت شکل دادن به حوزه‌های جدید، وصل کردن شبکه کارگران و زحمتکشان هوادار حزب در پیرامون هر حوزه و بهبود و ارتقاء کیفیت فعالیت حوزه‌ها انجام می‌شود. (در ضمن باید تاکید کرد که حتی در صورت آغاز پروژه سازماندهی شهری و منطقه‌ای حوزه‌ها - یعنی آغاز سازماندهی هرمی - هنوز حوزه‌ها بسبب بسیاری از خصوصیات کنونی خود را حفظ خواهند کرد. ایجاد اشکال مرکب

سازمانی در آینده ابداع به معنی رجعت به سازمان سازی های بوج و تصنیف بی‌پولیستی نخواهد بود. معددا تا کیدمی کنیم که رفقای حزبی در شرایط کنونی و طبقه دارند موازین مربوط به سازماندهی منفصل را در جزئیات رعایت کنند).

این شیوه سازماندهی بسی تردید در نوع ضربات پلیسی احتمالی، دامنه مضایق این ضربات و شیوه‌های مقابله با آن تا شرمی گذارد. اولاً وارد کردن ضربات وسیع از جانب پلیس به ما دشوارتر شده است. در صورت رعایت اکید موازین سبک کار سازمانی موجود از جانب رفقای تشکیلاتی، ما قادر خواهیم بود تا در بریدترین حالت ضربه پلیسی را در محدوده یک حوزه فعالیت کنترل کنیم و از اثنا آن جلوگیری نمائیم. ثانیاً، در عین حال، ارزش سیاسی و عملی حفظ امنیت یک حوزه، بدلیل روابط محکم و عمیقی که با کارگران محیط فعالیت خود ایجاد کرده است، بهمان نسبت برای ما افزایش یافته است. دورانی که با ضربه خوردن یک بخش به آسانی چند رفیق دیگر برای حفظ ارتباطات و ادامه کاری "اعزام می‌شدند" گذشته است. روابط موجود هر حوزه حامل کار و تلاش نسبتاً طولانی رفقای حوزه است و در شرایط اختناق کنونی از سرگیری این فعالیت در حوزه مورد نظر برای حزب ساده نیست. بعلاوه در مجموع جهات حوزه‌های حزبی در تفکر سازمانی و نیز در پروژه عملی فعالیت ما، نقش

سیار با ارزش تری از "جمع‌های سازمانی" در دوره رواج سبک کار بی‌پولیستی دارد و بی‌شک واحد تشکیلاتی و سیاسی ارزشمندتری محسوب می‌شوند. ثالثاً، بدلیل فقدان یک سازمان هرمی و رهبری اجرایی متمرکز محلی و عدم تمرکز در تصمیم‌گیری واحدهای حزبی، فلج شدن فعالیت بخش‌های وسیعی از تشکیلات در نتیجه ضربات پلیسی به یک حوزه و روابط آن غیرمحمول تراست. این، یعنی حفظ امنیت مراکز تصمیم‌گیری ما را قادر می‌سازد تا با متانت و دقت عمل بیشتر به بهره‌برداری برخوردار کنیم، رابعاً، در مقابل، فقدان سبک سازماندهی هرمی در عین حال به معنای کند بودن عملی سیستم اعلام خطر در کل تشکیلاتهای حزب، عدم امکان انتقال سریع تجارب و اطلاعات امنیتی از حوزه‌ای به حوزه‌های دیگر و بطور خلاصه بروز عوامل منفی‌ای که فسادان ارتباطات عمودی سازمانی به آن دامن می‌زند، نیز هست.

۴ - یک پدیده "جدید" دیگر، تلاش روزافزون فعالین سابق جنبش کمونیستی و انقلابی برای ارتباط گیری با حزب است. اما تجدید ارتباط با حزب اکنون دیگر در سطح گذشته انجام نمی‌شود. هواداران جدید و یا رفقای که خواهان تجدید ارتباطات با موانع و مغلطات مشخصی روسرو هستند که با امنیت قابل ملاحظه‌ای برای حزب و خود آنها دارد اولاً، برخی از این رفقا، از آنجا که در جریان تغییرات سبک کاری ما نیستند، عمدتاً از تجدید

ارتباط، اجرای قرار با یک واحد سازمانی و اتصال به یک حوزه موجود را مدنظر دارند، و را ما برای برقراری اینگونه تماس ها تکاپو می کنند. این تکاپو، بویژه در مواردی که به شیوه ای عجولانه و غیر مسئولانه انجام می گیرد، امنیت خود این رفقا و حوزه ها و فعالین حزبی را که به نحوی از ارتقاء با آنها در تماس قرار می گیرند به خطر می اندازد. ثالثا، شناختی و اجزا هویت و تشخیص صلاحیت امنیتی رفقای خواستار ارتباط برای ما به سادگی قابل نیست. اینکه این با آن رفیق " هوادار سابق بیگانه، اقلیت و یا فعال سابق" م. ک. و کومه له بوده است، برخلاف ۴ سال قبل، به خودی خود دعای ملی برای تضمین امنیت ارتباط نخواهد بود. اطلاعات وسیع پلیس سیاسی از سازمانها (بزمینای ضربات قبلی به آنها) چنین " معرفی نامه" هائی را از اعتبار جدی ساقط می کند. هر رفیق با پدید این اعتماد مجددا کسب کند. و ثالثا، برخی از این رفقا، بدون تسویه حساب جدی با روحیات آکسیونیستی و شناختی گذشته خود، به وظایف روتین حوزه های حزبی کم بها می دهند، در شیوه های فعالیت روزمره از عادات کهنه نبریده اند و به دفعات از خط سبک کارکنونی ما خارج می شوند. در حسن اوضاعی هیچ فعال سیاسی سابق و یا رسمی هوادار

جدیدی نمی توان بدون از سر گذراندن یک دوره آموزشی فشرده و عمیق، خود را با نحوه فعالیت امروز ما منطبق کند. این موقعیت در مجموع خلل و فرج متعددی برای حرکت و ما نور پلیس سیاسی بوجود می آورد، در سبک کلمه جذب تشکیلاتی هواداران جدید به نسبت سابق از لحاظ امنیتی به مراتب دشوار تر و مستلزم دقت نظرسنجی بیشتری است.

۵ - پلیس به نسبت ۴ سال قبل صبر و فرصت بیشتری دارد. جمع آوری و تحلیل اطلاعات، تعقیب و مراقبت های طولانی، عدم تعجیل در وارد آوردن ضربه، از خصوصیات پلیس سیاسی جمهوری اسلامی در شرایط کنونی است. به علاوه مشاهدات و بررسی های موجود نشان می دهد که پلیس به کمک ساواکی های تعلیم دیده و خائنین، اقدام به طرحی عملیات های مرکب و پیچیده ای علیه نیروهای سیاسی می کنند. در چنین اوضاعی، ضربه نخوردن الزاما به معنی آلودگی نداشتن نیست. چک کردن مداوم وضعیت امنیتی، بررسی و تحلیل دقیق مشاهدات پیشکوک و تلاش در کشف رابطه میان مواردی که مستقل و یا مربوط اقدامات پلیس، یک وظیفه دائمی فعالین ما است.

۶ - و بالاخره باید به یاد داشت که سبکی آلودگی های امنیتی

بیشین فعالین و شبکه های حزب اشاره کرد. پلیس سیاسی بخش زیادی از اطلاعات قبلی خود را مصرف کرده و با سوزانده است. سیاست " ثواب سازی" و استفاده از خائنین، با بالا رفتن مقام و در زندانها و بویژه با کساد شدن با زار مزدورانی چگون فدائیان اکثریت و توده ای ها، تا حدود زیادی به رکود کشیده شده است. اما تا کید می کنیم که این یک بهبود نسبی است و امکان ضربه خوردن از این محل ابداء بطور جدی و تعیین کننده کاهش نیافتد و منتفی نشده است. اما دگی رفقای ما در برابر ضربات احتمالی پلیس از شناخت اطلاعات و هویت های لورفته پیشین، بهیچوجه نباید کاهش یابد. تنها با حفظ دانشی این آلودگی است که ما می توانیم از این بهبود نسبی اوضاع برای بدست گرفتن ابتکار عمل استفاده کنیم. رفقای ما با بدهمچنان هوشیاری خود را نسبت به این منشا خطر حفظ کنند.

مجموعه این عوامل به این معنی است که مبارزه ما با پلیس سیاسی، امروز در سطح کیفیتها متفاوتی جریان دارد. بهبود نسبی اوضاع امنیتی بهیچوجه نباید نظر ما را از خطرات کیفیتها متفاوتی که فعالیت و ادامه کاری ما را تهدید می کند منحرف سازد. برخی نقاط ضعف کهنه کاهش یافته و در مقابل نقاط آسیب پذیر جدیدی بوجود آمده است. در سطح عمومی می توان گفت که دستگیری های حیاتی و اتفاقی، توره های وسیع برای دستگیری فعالین

بشکل حوزه های حزبی متشکل شوید

شنا ساشی شده و اتکاء تمام و کمال پلیس به اطلاعات لورفته به تدریج جای خود را به تلاش برای نفوذ در روابط تشکیلاتی حزب، شنا ساشی های جدید از فعالین و روابط بیرونی حوزة ها و وارد آوردن ضربات موضعی به یک یا چند حوزة و روابط آنها می دهد. ما باید ضمن حفظ آمادگی در مقابل شیوه های کهنه پلیس، بویژه خود را برای مواجهه با شیوه های جدید نفوذی آماده کنیم. شیوه هایی که در عملکرد پلیس سیاسی بورژوازی در کشورهای مختلف از غمگسست کلاسیک و جا افتاده تری نسبت به هجوم و تاخت و تاز علنی نیروهای سرکوبگر بر خورد دارند. بطور کلی اقدامات نفوذی پلیس در رابطه با حوزة های حزبی در دو سطح مطرح می شود. اول، نفوذ جا سوسان رژیم از پائین بصورت تماس عناصر نفوذی دشمن در شکل به اصطلاح " هوادار " با حوزة حزبی. تلاش برای نفوذ از پائین مکررا اتفاق می افتد، بویژه آنکه کسب اطلاعات بطور روئین و ظیفه هر خبرچین و جا سوس محلی رژیم در محیط کار روزیست کارگران است و طراحی و تصمیم گیری درباره چنین اقدامی منوط به دخالت سطوح بالای ارگانهای سرکوب و جاسوسی جمهوری اسلامی نیست. این اقدامی است که واحدهای محلی جاسوسی و سرکوب، نظیر شعبات سپاه پاسداران، کمیته هاء انجمن های اسلامی کار خانات و غیره را سببه آن دست می زنند. هر حوزة حزبی باید فرض را بر این بگذارد که با گسترش فعالیت خود

و تا شیرگذاری اش بر محیط مورد نظر، توجه عوامل محلی رژیم را به خود جلب می کند و اقدامات پلیسی برای کسب اطلاعات، و از جمله تلاش برای نفوذ از پائین در روابط حوزة آغاز خواهد شد. شکل دوم، نفوذ برنا مریزی شده پلیس برای شنا ساشی مستقیم اعضای حزب در حوزة ها و بدام انداختن کل حوزة است. مواردی مشاهده شده است که دشمن کوشیده است با ایجاد " هسته " های دروغین مستقیما با حوزة ها و فعالین حزب تماس بگیرد و با شنا ساشی هواداران مترصداتصال به حزب بپردازد. اینگونه طرح ها پیچیده تر است و برای پلیس متضمن برنا مریزی دقیق تر و همه جانبه تری است. اما در وجود چنین طرح هایی تردید نیست. این شیوه های جدید پلیس ما را به رعایت اکید موازین معینی موظف می کند.

۱ - عدم تخطی از دستورات و رهنمودهای حزب. رفقای ما، اعم از حوزة های رسمیت یافته حزب و با بدبویژه اهمیت حیاتی رعایت موازین سازماندهی متفصل را درک کنند. هرگونه اقدامی هر قدر غیر اندیشانه و " مبارزه جویانه " در جهت " فراترفتن " از این موازین سازماندهی، بدون دستور و تأیید مستقیم رهبری حزب، دروازه فراخی برای نفوذ پلیس بازمی کند، و ما را به شدت آسیب پذیر

می سازد. حوزة های حزب در این دوره وظیفه اتصال با یکدیگر و ایجاد اشکال ترکیبی سازمانی را ندارند. کاملاً برعکس، همچنانکه بارها از صدای حزب کمونیست ایران اعلام شده است، رفقای ما موظفند رابطه هواداران جدید را مستقیما با حزب برقرار نکنند. و با تشکیل حوزة های جدید متصل به حزب، ارتباط خود را با آنها قطع نمایند. تنها در صورت رعایت اکید این نکته است که ما میتوانیم اقدامات برنا مریزی شده پلیس برای شنا ساشی حوزة ها و هواداران حزب را خنثی نمائیم. رفقای ما موظفند هر پیشنها دوبا فشاری بر اتصال افقی حوزة ها، از جانب هر حوزة دیگر را (هر قدر هم که به اصل بودن این رابطه مطمئن باشند) فوراً به حزب اطلاع دهند و قبل از دستور صریح رهبری حزب، دست به هیچ گونه اتصال افقی با حوزة های دیگر نزنند. اتصال تنها هنگامی مجاز خواهد بود که دستور رهبری مستقیما به هر دو حوزة مورد نظر رسیده باشد و علائم شنا ساشی متقابل به اطلاع هر دو حوزة رسیده باشد. هر اقدام خودسرانه که این ضوابط را نقض کند، فعالیت ما را به مخاطره خواهد افکند.

۲ - گسترش فعالیت حوزة های ما در مقطع کنونی نه بصورت عرضی (یعنی اتصال به حوزة های هم سطح خود)، بلکه بصورت گسترش

قدرت طبقه کارگر در تشکل اوست

عمقی در درون طبقه کارگر و بیسوط روابط و شبکه کارگران و زحمتکشان هوادار حزب در پیرامون حوزه در متن روابط طبیبی اجتماعی بصورت معافل ترویجی کارگری و غیره انجام می شود. حوزه باید انجام داشمی و روزمره وظایف روتین و پایداری خود، جلب کارگران جدید به حزب، بالابردن کیفیت فعالیت و تقویت ارتباط خود با رهبری حزب را مسلک موفقیت خود قرار دهد.

۳ - وجود نشریات حزب، نوارهای رادیو، نوارهای سخنرانیهای مطبوعاتی حزب و حتی نشریات داخلی و برخی اطلاعات درون حزبی در نزد افراد، لزوماً به معنی به ثبوت رسیدن اما لیت رابطه آنها با حزب و صلاحیت امنیتی آنها نیست. بسیاری از این متون و اسناد در سطح وسیع طناً توسط حزب پخش می شود و برخی دیگر ممکن است در اشهر فریاد تبلیغی بدست رژیم افتاده باشد. بنا بر این ارائه بیگونه اسناد و مدارک نمی تواند دوشاید بتوان مدرکی برای اثبات صلاحیت امنیتی افراد و معافل بکار رود.

۴ - حوزه ها باید اساساً و بر مبنای امکان سازی های خود در محیط فعالیت، در بهبود کیفیت و استحکام ارتباطات خود با رهبری حزب تلاش کنند. اقدام به "تقویت" این ارتباطات با استفاده از امکانات حوزه های دیگر کاملاً نادرست است. هر حوزه باید خود ارتباطات لازم برای دریافت نشریه، پیام و اطلاعات و ارسال اخبار و گزارشات را با

رهبری حزب بوجود آورد. رهنمود های لازم در این مورد مرتباً از صدای حزب کمونیست ایران پخش می شود.

۵ - حوزه ها در محیط کار روزیست خود باید از گسترش ناگهانی و نتیجه روابط پیرامون خود اجتناب کنند. هر هوادار جدید باید مراحل گوناگون نزدیکی شدن به حزب را یک به یک طی کند و در هر مرحله بر حسب مجموعه عملکرد خود ارزیابی و قضاوت شود. هیچکس نباید از این پیرو بر خورد مرحله بندی شده معاف شود. هواداران انقلابی و آگاه مال لزوم این امر را درک می کنند و در آن شتابزده نیستند. آنان لزوم بر عهده گرفتن وظایف گوناگون و حرکت تدریجی از مراحل و مدارهای دورتر به مدارهای نزدیکتر حزب را می فهمند و در هر مرحله با اشتیاق و وظایف محوله را انجام می دهند. رعایت این مرحله بندی و قضاوت افراد در طول یک پیرو عملی بسیار مرحله بندی دقیق آزمون سیاسی، تشکیلاتی و امنیتی، یک راه اصلی حفظ استحکام حزب بطور کلی است. این در عین حال بهترین شیوه سکردن راه عوامل نفوذی دشمن نیز هست.

۶ - حوزه های حزبی در محیط های کارگری باید بدقت عمل کرد کارگران مستعد را در عرصه کار روزندگی روزانه و در جریان اعتراضات و مبارزات کارگری مدنظر داشته باشند. بسیار قبل از ایجاد رابطه تشکیلاتی با یک رفیق کارگر، حوزه باید دلتقی نسبتاً جامعاً از خصوصیات فردی، سابقه مبارزاتی،

افکار و عملکرد سیاسی و درجه قابل اتکا بودن امنیتی این رفیق داشته باشد، و بهترین و پیشروترین کارگران را بخود جلب نماید. حوزه ها باید حتی المقدور از محیط فعالیت خود، که بر آن احاطه دارند، هوادار جلب کنند. حوزه ها باید هوادارانی که از شهرهای دیگر با از محیط هائسی خارج از عرصه فعالیت حوزه، با آن تماس می گیرند را مستقیماً به ارگانهای رهبری مرکزی متصل کند و هدایت آنها را به ارگانهای مرکزی حزب بسپارد.

۷ - سازماندهی منفعل بدون استحکام ایدئولوژیک حوزه ها و تقویت پیوند سیاسی - ایدئولوژیک درونی حزب راه به جایی نمی برد. استحکام ایدئولوژیک حوزه و کار ایدئولوژیک حوزه روابط پیرامونی یک نیا زسیای داشمی حزب است. اما این امر در عین حال فامتی برای طرد عناصر متزلزل و نیز شناسایی عناصر نفوذی نیز هست. معافل ترویجی (در سطوح مختلف) بدین ترتیب علاوه بر وظیفه آموزشی خود، از یک نقش جانبی، اما بسیار مهم و موثر، امنیتی نیز برخوردارند. این معافل، بخصوص اگر در رده های مختلف (بر حسب دوری و نزدیکی به حزب) تشکیل شده باشند، یک سیستم قابل اتکا، برای شناسایی و طرد عناصر نا مناسب و جذب کارگران پیشرو مستعد است.

۸ - اصل حداقل اطلاعات باید اکیداً رعایت شود. به هر کس باید

وحدت کمونیستی ... و اندرزمی دهد. این مقاله بخوبی آشکار می سازد که وحدت کمونیستی به شورای ملی مقاومت متوهم نیست، بلکه خود لیبرال است.

در این مقاله وحدت کمونیستی آنقدر فاکت برای اثبات این نکته زیاده است که ما برای انتخاب سعادت از آنها از حد و فرور در مصیقه بودیم. نقل قولهایی که در این نوشته استفاده شده است تنها مثنی از آن خوار است. خواننده خود می تواند برای دستیابی به این دریای بیکران لیبرالسم به خود نوشته رجوع کند.

وحدت کمونیستی معتقد است شورای ملی مقاومت ناشناس آلترناتیو بودن خود را به میزبان بیشتری (بعد از شهریور ۶۰) از دست داده است. چندین علت آن را برمی شمرد و اضافه می کند این عوامل "بیش از آنکه دارای اهمیت واقعی باشند، در کنار کل کارکرد شورای ملی مقاومت و علی الخصوص سازمان مجاهدین خلق معنی دارد و حاشیه ای است بر متن". ما در اینجا وارد بحث میزان اهمیت این عوامل نمی شویم. آنچه برای ما اهمیت دارد نشان دادن لیبرالسم وحدت کمونیستی و موعظه خوانی، نقش اندرزگویی و پویشی سازی کردن او برای شورای ملی مقاومت، این ابوزیسیون بورژوا - اسلامی رژیم جمهوری اسلامی است. در شرایطی که مجاهدین و

شورای ملی مقاومت بیشتر سن زمینه برای رفع آخرین توهمات توده های انقلابی نسبت به خود را فراهم ساخته اند، وحدت کمونیستی به میدان آمده تا بسا بنهان کردن ماهیت بورژوا - لیبرالی شورای ملی مقاومت و مجاهدین، کلیه اعمال و سیاست های آنها و از جمله تلاش برای حفظ ارتش و برقراری یک حکومت اسلامی دیگر را ناشی از ازمایشات طبقاتی - بورژوازی آنها، بلکه آنها را "اشتباهات" ناشی از "دیدمکانیکی"، "دیدگاه پرا - گماتیستی" و "بی گذار به آب زدن رهبری مجاهدین" بنامند. (نقل قول های استفاده شده در متن از صفحات ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ نشریه "اندیشه راهی است")

از وحدت کمونیستی بپشنوید: "اشتباهاتی که به نظر ما نه فقط ناشی از پیش چریکی آنان بلکه علاوه بر آن عمدتاً از جهان بینی، از نگرش مذهبی آنان و از مکانسیم حاکم بر عملکرد و اندیشه هایشان نشأت می گیرد. اشتباهاتی نه صرفاً تکنیکی، بلکه به ویژه اشتباهی معرفتی". "این را مجاهدین نفهمیده اند چون مذهبی بودند و به مذهب به عنوان قدرت انسان ساز - و نه بسجج کننده - بها می دادند". "تصور این امر که بینی صدر عمداً یا سهواً (با توجه به بزرگ بینی های بیمارگونه او)، در مورد مکاناتش در ارتش، ارتباط بین المللی و اوضاع رژیم، مجاهدین را در اشتباه گذاشته است چندان بعید نیست". (در همه جا نقل قول ها

از وحدت کمونیستی و تا کیسدهات ازمایشات) می بینیم که در شیوه برخورد و دیدگاه ما و او، طبقاتی و روان - شناختی با وحدت کمونیستی، فریب عمدی یا سهوی مجاهدین از طرف بنی مدرنیست اهمیت پیدا میکند و بزرگ بینی های بیما رگونه - بنی صدر هم به حساب آورده می شود! یعنی طبق دیدگاه وحدت کمونیستی، اعمال و سیاست های بورژوازی مجاهدین و شورای ملی مقاومت، ناشی از "اشتباهات"، "دیدگاه مکانیکی"، "نگرش مذهبی" و غیره است. نزد وحدت کمونیستی این مهم نیست که به کارگران و توده های مردم نشان دهد که مجاهدین و شورای ملی مقاومت از یکسو و سلطنت طلبان از سوی دیگر برای به قدرت رسیدن و حفظ سرمایه در ایران با اتکاء به ارتش و حفظ آن، در بند و بست با قدرت های امپریالیستی به چه رقابت آشکار و پنهان و آوری مشغولند. او با تحلیل ما و او را طبقاتی خود تمام ماهیت و عملکرد بورژوازی شورای ملی مقاومت و مجاهدین را به یک سلسله "اشتباهات" ناچیز تقلیل می دهد.

بدون شک اگر در نزد وحدت کمونیستی "پروژه تدارک انقلاب سوسیالیستی" ادعائی بیش نبوده و پویشی برای بنهان کردن لیبرالسم اش نباشد با بدراست "پروژه تدارک" آموزش پرولتاریا و آگاهی دادن به او را مدنظر داشته باشد. آموزشی که باید به پرولتاریا بسازد چگونه احزاب و سازمانهای بورژوازی را نقد

کند. درین حملات پیرمطمراق و بزین شده همبستگی بورژواها اهداف و نظرات استنما رگانه - شان را تشخیص دهد. آموزشی که پرولتا ربا را قادر سازد تا در میان کلیه اتفاقات و حوادث روزمره، راه خود را برای رسیدن به سوسیالیسم بیابد و آنرا همواره مستقیم و سراسر است بهیما ید. آموزشی که به پرولتا ربا نشان دهد در هر جنبشی با هر محتوایی چگونه و از چه طریق با ایداز منافع مستقل و طبقاتی خود دفاع کرده و مستقل خود را در مقابل کلیه احزاب و سازمانهای بورژواشی و خرده بورژواشی حفظ کند و با آفتاب پیگیرانه و قاطع آنها که به دموکراسی انقلابی پشت کرده اند و راه بندوبست با سرمایه و امپریالیسم را برگزیده اند، طبقه کارگرو سوا پرزحمتکشان را از سمومی که آنها می پراکنند مصون دارد و بدین طریق دموکراسی انقلابی را نیز تقویت کند.

لنین در قسمتی از سخنرانی خود در باره شیوه برخورد به احزاب بورژواشی در کنگره پنجم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه چنین می گوید: "یک سیاست قاطع و استوار و پرولتری چنان گنجینه ای از آندیشه ها، چنان درک روشنی از مبارزه و چنان با بیداری ای در مبارزه به کل طبقه کارگر خواهد داد که دیگر احدی در روی زمین قادر به جلب نظر و درکردنش از سوسال دموکراسی نخواهد بود. حتی اگر انقلاب طعم تلخ شکست را تجربه کند، پرولتا ربا نخست و مقدم بر هر چیز خواهد آمد موخت که

با به های اعتمادی - طبقاتی هم لیبرالها و هم احزاب دموکراتیک را بشناسد؛ و آنگاه خواهد آموخت که از خبانتهای بورژوازی منزجر و از ست عنصربها و سوسالیست خرده بورژواشی در راه رسیدن به مقصود، بیزار باشد. تنها چنین اندوخته ای از دانش، تنها با اکتساب چنین عاداتی در شیوه تفکر است که پرولتا ربا خواهد توانست متحد تر و متهورانه تر بسوی انقلاب جدید، انقلاب سوسیالیستی، گام بردارد."

اما برای وحدت کمونیستی، مارکسیسم و "تدارک انقلاب سوسیالیستی" تنها ابزار احترامی افلاطونی به مارکسیسم است. تنها پوششی است تا در عرصه سیاست بتوانند نظریه لیبرالی خود در مورد مجاهدین و شورای ملی مقاومت را پنهان دارد. بتوانند مجاهدین و شورای ملی مقاومت را نه آن جریانی که ناگزیر در آینده زود روی انقلاب، توده ها و طبقه کارگر قرار خواهد گرفت؛ نه آن جریانی که تلاش می کند تا قبل از اینکه توده های مردم فرصت دخالت و اعمال اراده بیابند، از بالا و از طریق بندوبست یا امپریالیستها جایگزین رژیم جمهوری اسلامی شود و اجازه ندهد "اغتشاشات" سال ۵۷ تکرار شود؛ نه آن جریانی که ارتش را حفظ خواهد کرد و یکبار دیگر دین و مذهب را در سرکوب دموکراسی و حفظ سرمایه به خدمت خواهد گرفت. معرفی نماید؛ بلکه آن جریان و نیروی معرفی کند که

علت تمام سیاستها، برنامها و اعمال و کردارشان ناشی از بیچارگی است. گما تیسیم و دیدمکانیکی آنهاست. اشتباهاتشان معرفتی است و ناشی از دیدگاه مذهبی آنهاست! اشتباهاتشان ناشی از آن است که به مذهب به عنوان قدرت انسان ساز و نه مسیح کننده بها می دهند! البته در کنار همه اینها اگر بزرگ بینی های بیچاره گون بینی صدرا در نظر بگیریم بعید نیست که او مجاهدین را عمدایا سوا فریب داده باشد!

"مجاهدین این را نفهمیدند که برای توده های مردم بین مذهب آنان و مذهب خمینی چه فرقی هست (اا سا اگر فرقی باشد) اگر این ها - مجاهدین - مذهب تازه ای آورده بودند یا زحرفی، ولی برای همان خدا و همان پیغمبر و همان امامان علیها مام عرصه زوریدن انتظار بیجا می است. ما این تا کید را بر عامل مذهب به عنوان ردنظر مجاهدین در تکیه به مذهب می دانیم."

اینهم ردنظر مجاهدین در تکیه به مذهب به شیوه وحدت کمونیستی؛ "اگر اینها مذهب تازه ای آورده بودند یا زحرفی، چه فرقی؟ شما بخاطر دین جدیدی که آورده بودند به این پیغمبران و امامان جدید تبریک می گفتید؟ اگر هم اکنون می گوئید "مجاهدین این را نفهمیدند که برای توده های مردم بین مذهب آنان و مذهب خمینی چه فرقی هست (اا سا اگر فرقی باشد)" و اسطراتان را از بیوستن مردم به آنها بیجا می دانید در آن

صورت انتظارشان را با جدا نسته و مردم را ملامت می کردید که چرا به ما هدین نمی پیوندند؟ آیا با این نوشته قصد دارید ما هدین را تشویق کنید که دین جدیدی بسازند و علاوه بر مفاسدات "فرمانده عالی" و "مشول اول" به پیغمبری و امامت هم برسند؟ آیا قصد دارید کارگران و زحمت - کشان را بسیج کنید که ما هدین را تحت فشار بگذارند تا مجبور به تعویض مذهبشان شوند؟

کارگران و زحمتکشان که بیش از ۵۰ سال معنای زندگی تحسنت حاکمیت مذهب را با گوشت و پوست خود درک کرده اند، ظرفیت های بیکران ارتجاعی و ضدانسانی دین و اسلام را در خدمت به سرمایه و امپریالیسم بخوبی مشاهده کرده اند. خواستار دین و مذهب تازه ای نبوده، بلکه خواستار جدائی دین از دولت هستند و لزوم آزادی را می کنند. کارگران آگاه ایران اهداف ما هدین و شورای ملی مقاومت در ارتقا، به مذهب را اینگونه رد نکرده بلکه هدف ما هدین و شورای ملی مقاومت در بیکار گیری دین و مذهب بر علیه دموکراسی و در دفاع از سرمایه و امپریالیسم را افشا، می کنند و ما هدین - زوای آنها نرا به توده های ملی شنا ساندند. اما وحدت کمونیستی در مقام شامخ مشاور شورای ملی مقاومت به آنان درس می دهد. وحدت کمونیستی به ما هدین می گوید اگر می خواهید در رسیدن به اهداف بورژوازی خود پیروز شوید، اولاً باید مذهب بعنوان

یک نیروی بسیج کننده نگاه کنید و نه یک قدرت انسان ساز؛ تا تنها اگر قرفی بین اسلام و کمینی وجود دارد با بدقیل از اینکه دست به عمل بزنید مطمئن شوید که مردم این فرقه را درک کرده اند. اما بهتر است که مذهب تازه ای بسازید زیرا تاریخ ایران از این نمونه ها زیاد دارد و موفق تر هم بوده است مانند اسلام عیسی و خرم دینی.

وحدت کمونیستی بر علیه مذهب مقالات شدا دو غلاظ می نویسند اما چون آنها با زتاب سیاسی ندارند و بدین معنی نیست که به ما هدین و شورای ملی مقاومت که قصد دارند یک حکومت مذهبی بر سر کار آورند، پیشنهاد همکاری ندهد، تا چاراست تا ما هدین بورژوازی ما هدین و شورای ملی مقاومت را پنهان کند و هدف اینها را که کمزهرت بسته اند تا دین و مذهب را یکبار دیگر بعنوان سلاحی ارتجاعی و بورژوازی بر علیه دموکراسی و کمونیم طبقه کارگر بکار ببرند و از هم اکنون نیز آنها را بکار گرفته اند. از دیده های بیونا ندو برای ایمن منظورتا آنها پیش رود که به ما هدین بگوید اگر مذهب تازه ای آورده بودید باز حرفی.

بسیار وحدت کمونیستی با چه لحن بدرا نه و استادانه که گویا دارد اشتباه شاگردانش را در باره موضوعی توضیح می دهد سخن می گوید: "اشتباه ما هدین این بود که کمیت را در نظرمی گرفتند و سه موضع را ... این اشتباه مهلک اولاً در نظرمی کرد که

جند در صد مخالفین رژیم و امعا علیه آن خواهند جنگید ... ما هدین ناراضی های ارتش را می دیدند ولی این را نمی توانستند تشخیص دهند که مهار ارتش در دست رژیم است ... مسئله تنها این نیست که کمیت مخالفین چقدر است و کمیت هواداران چه قدر."

چقدر خوب است رهبری سازمان ما هدین در وهله اول خود و در وهله بعد کارها پیش برای گذرا - نیدن یک دوره آموزشی مزدوحدت کمونیستی بیرون. در آن صورت به عقیده وحدت کمونیستی بهتر، راحت تر و فوری ترمی توانند به اهداف بورژوازیشان برسند. زیرا برای وحدت کمونیستی رو کردن دست ما هدین و شورای ملی مقاومت در حفظ ارتش در جمهوری دموکراتیک اسلامی معناتمی ندارد. برای وحدت کمونیستی رو کردن دست ما هدین و شورای ملی مقاومت به عنوان یک جریان بورژوازی که قصد دارد بعد از جمهوری اسلامی یکبار دیگر همان بلائی را به سرانقلاب ایران بیاورد که جمهوری اسلامی آورد، جایگاهی ندارد. مخالفت ما هدین و شورای ملی مقاومت با تسلیح عمومی مردم و ارتقا آنها به ارتش هیچ نشانی از غیر انقلابی و غیر دموکرات نبودن ندارد. آگاه کردن پرولتاریا از عواقب شوم حفظ ارتش چیزی که مردم ایران آزادی در جمهوری اسلامی تجربه کرده اند اهمیتی ندارد. وحدت کمونیستی با حدت تمام سعی می کند همه

اینها را از چشم مردم و بیرونتاریا پنهان کند و توجه بیرونتاریا و مردم را به این جلب کند که گویا ما هدین صرفا دیدیرا گما تیسیتی و مگانیککی دارند؛ تا مبادا بیرونتاریا فکر کند که اعمال و سیاستها و بیرونتاریا ما هدین و شورای ملی مقاومت همه حاکی از آنست که آنها بورژوا هستند، راه بندوبست با سرما به و امپریالیسم را برگزیده و تلاش می کنند سرما به را از جنگ انقلاب ایران نجات دهند.

هما نگونه که ما هدین و شورای ملی مقاومت روبه سرما به می کنند و می گویند ما به خوشونت اعتقادی نداریم و نخواهیم گذاشت "اغتصابات" سال ۵۷ تکرار شود، وحدت کمونیستی نیز مورد خطایش نه به کارگران و زحمتکشان بلکه ما هدین و شورای ملی مقاومت است و تلاش می کنند تا به ما هدین و شورای ملی مقاومت نشان دهدنگامی که به نمانج: و پندوا ندرزهای پدران به لیبرالهاش "دانانتر" از خودشان گوش فرادهند تا چه اندازه در رسیدن به اهداف بورژوا شیشان موفق خواهند شد. ما هدین و شورای ملی مقاومت از "تدارک انقلاب سوسیالیستی" به شیوه وحدت کمونیستی نه تنها نباید تری به خود راه دهند بلکه باید آنرا مزایای برای تحمیق پرو-نتاریا به حساب بیاورند و آنرا

نقطه قوت وحدت کمونیستی تلقی نمایند. آنگاه خواهند دانست که چگونه وحدت کمونیستی برای مشاوره در تصمیم گیری ها تمام جوانب کار را به دقت می سنجد و در رسیدن به اهداف بورژوا شیشان چه کمک مهمی به آنان خواهد کرد. باور نمی کنید، نگاه کنید: وحدت کمونیستی حتی به فکر برستیز شورای ملی مقاومت به عنوان آلتونا تیو مقبول بورژوازی و امپریالیسم هم بوده است. اود بربری "اشتهاات" ما هدین در مبحث "پرواز تاریخی" چنین می گوید: "آیا حتی ما سه پراگما تیسیتی، به ما هدین حکم نمی کرده آلتر - نا تیو خود را به گونه ای تشبیهت کنند که غرب به سراغ آنها بیاید و نه آنان به سراغ غرب؟ ... غریبی که واسطه ها و نماندگان نش رانان "شهر مقدس" نجف می فرستد قاعدتا می تواند با استفاده از امکانات ارتباطی اش با آلتر - نا تیو مطلوب خود حتی در دورترین روستاهای ایران تماس بگیرد ... حداقل درایت حتی در زمین - پراگما تیسیتی به ما هدین حکم می کرده کاری کنند غرب به سراغ آنان بیاید و نه آنان به سراغ غرب بروند. کاری که این نماندگان غرب با شند که مثلا به کردستان برای مذاکره با آنسان بیاید و نه آن که آنان برای معرفی آلترنا تیو خود رهسپار

غرب شوند".
اشتها نکتید اینجا جلسهای نیست که ما هدین و بنی صدر در آن در مورد چگونگی خارج شدن از ایران صحبت می کنند و عملی بودن و مزایای هر راه ممکن را مورد ارزیابی قرار می دهند. اینجا جلسه شورای ملی مقاومت هم نیست که در آن در مورد خارج شدن رجوی و بنی صدر و میزان لطماتی که احتمالا آن پرواز به برستیز شورای ملی مقاومت زده باشد بحث می کنند؛ غیر، این وحدت کمونیستی است که چنین سخن می راند. او گرچه هنوز به شورای ملی مقاومت و جلسات آن راه پیدا نکرده اما راه یافتن به شورای ملی مقاومت باعث نشده است که از فقدان "حداقل درایت حتی در زمین پراگما تیسیتی" در نزد ما هدین در رنج نیاند.

البته از نماند دور است که در مورد نکته دیگری که وحدت کمونیستی در همان قسمت "پرواز تاریخی" بدان اشاره کرده در درایتا ذکر به میان نیاریم و نوشته را پایان دهیم. وحدت کمونیستی در آنجا چنین میگوید: "این توضیح را نه از دیدگاه کمونیستی، بلکه از دیدگاه پراگما تیسیتی ما هدین خلق ارائه خواهیم داد."

گویا کل مقاله را که تنها بخش ناچیزی از آن را در این نوشته

مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم

نقل کردیم از دیدگاه کمونیستی به بررسی شورای ملی مقاومت پرداخته است که اعلام می کند این توضیح را از دیدگاه بی‌اگامیستی ارائه کرده است! به وحدت کمونیستی جدا توصیه می کنیم که در مقدمه هر نوشته‌ای قبلاً خوا - نندگان را مطلع کند که کدام یک از دیدگاه‌های مکانیکی، پرا - گماتیبستی و ایده‌آلیستی و غیره را در تحلیل و بررسی خود بکار گرفته است. این به خواننده نوشته‌های وحدت کمونیستی کمک خواهد کرد تا بهسولت بیشتری بتواند دستگاه فکری مورد استفاده آنها را تشخیص دهد. همچنین کمک خواهد کرد تا فهم و درک مطلب راحت‌تر گردد. از آن مهم‌تر پیا می است که وحدت کمونیستی از این طریق به شورای ملی مقاومت و مجاهدین می دهد تا اگر از خلال کل نوشته نتوانسته - اند متوجه شوند که کمونیسم نزد وحدت کمونیستی تنها یک لباس

است که به آسانی از تن بدر می آورد و به اصل خود رجعت می کند و لیبرال می شود علماً بگوید وحدت کمونیستی حتی ظاهری کمونیست را هم همیشه حفظ نمی کند. اما برای طبقه کارگر - کمونیسم و مارکسیسم لباس نیست که از تن بیرون آورده و با هر کس و با هر جریان و نیروی سیاسی به زبان خودش سخن بگوید. وقتی به لیبرال‌ها می رسد لیبرال شود و وقتی در یک جنبش دموکراتیک شرکت دارد، کمونیست بودن و منافع و صف مستقل خود را کنار گذارد. کمونیسم برای طبقه کارگر علم رها نمی است و به هر میزان که از آن دست بشوید و از آن دور شود به همان میزان از رها می خود دست شسته و دور شده است. اما وحدت کمونیستی که معتقد است مادام که پرولتاریا دوران "تدارک انقلاب سوسیال - لیستی" به شیوه وحدت کمونیستی رابه پایا ن نرسانده است نباید

بسی قدر دست دراز کند، قدرت سیاسی را تماماً و همواره به بورژوازی واگذار می کند در بین نیروهای بورژوازی بعضی را انتخاب و برای کسب مقام شامخ مشاوریه آنان پندواند و در داده و طریق "درست" رسیدن به قدرت رابه آنان نشان می دهد. وحدت کمونیستی اشتباهات مجاهدین و شورای ملی مقاومت را به نحوی و از چنان دیدگاهی مطرح می سازد که حتی هر کدام از اعضای شورای ملی مقاومت نیز می توانند به طرح این جنبش "انتقاد از خود" ها می بپردازد. نصاب پدران وحدت کمونیستی به گونه‌ای است که حتی در "ظرفیت‌های انتقاد پذیری" رهبری مجاهدین نیز می گنجد و بعلاوه می تواند بعنوان نمونه‌ای از "انتقادات سازنده" ونه "شوراشکنا نه" برای همه اعضای شورای ملی مقاومت سرمشق گردد.

رضا مقدم - ۶۳/۲/۲۸

بقیه از صفحه ۶

نگاهی به ...

تنها آن درجه اطلاعات داده شود که برای انجام درست وظایف خود به آن نیاز دارد. آشکار کردن تعلق حزبی فعالین و معرفی مسلغین و مروجین حوزه به رفقای جدید، دعوت این رفقا به محافل ترویجی و با شناساندن اماکن تشکیل جلسات به آنها با بدبنا نهایت دقت و بر مبنای ارزیابی نیازهای حزب و ظرفیت و وسع و طیف هر رفیق جدید انجام گیرد. ۹ - رفقای ما موظفند هراتقایی مشکوک و غیرمنتظره و هراتقالات

امنیتی جدید را فوراً به حزب اطلاع دهند. تمرکز اطلاعات در باره فعالیت حوزه‌ها در مرکز، این امکان رابه مسئولین مرکزی ما داده است که بسیاری خطرات پلیسی را با دقت نظر و احاطه بیشتری به نسبت حوزه‌ها تشخیص دهند و بموقع حوزه‌ها و فعالین شهر را از خطرات احتمالی و روابط آلوده با خبر سازند.

۱۰ - و بالاخره، هواداران جدید حزب و بارفقای که خواستار تجدید ارتباط تشکیلاتی با حزب اند، باید اکیداً موازی با اعلام شده از طرف صدای حزب

کمونیست ایران و نشریات حزبی را رعایت کنند. حزب تنها ماحصل و نتایج کمی فعالیت رفقای جدید را در قضاوت آنان ملاک قرار نمی دهد. بی دقتی و سهل انگاری در رعایت اصول امنیتی در تماس و مکاتبات با حزب، بی دقتی و عدم رعایت این اصول در امر گزارش - دهی و خبررسانی، و عدم حساسیت در قبال جنبه‌های امنیتی فعالیت و غیره، همه ملاک‌ها می است که در قضاوت حزب از صلاحیت امنیتی فعالین نقش بازی می کند. حزب کمونیست محق است که بقیه در صفحه ۲۰

مقدمه :

از سیمه دوم تیر تا نیمه اول مردادماه حزب کمونیست ایران در سنگرهای کردستان انقلابی در نبرد علیه مزدوران جمهوری اسلامی و در مبارزه برای برافراشته نگاه داشتن پرچم دموکراسی انقلابی و سوسیالیسم ۱۹ تن از رفقای خود را از دست داد. ما در اینجانب معرفی این رفقا بآدمیان را گرامی میداریم، همچنین بمناسبت سالگرد شهادت رفیق فواد مصطفی سلطانی مختصری از زندگی وی را نقل میکنیم :

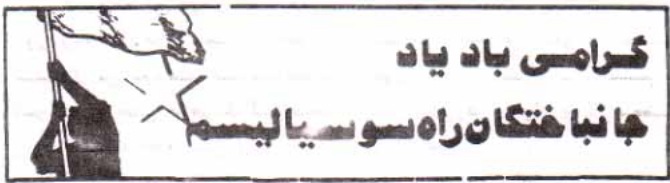


بیدار رفیق فواد مصطفی سلطانی

چهره شناخته شده جنبش کمونیستی

و رهبر زحمتکشان کردستان

سیج سال پیش، روز نهم شه جرمه ۱۳۵۸، رفیق فواد مصطفی سلطانی، چهره شناخته شده جنبش کمونیستی ایران، در یک نبرد قهرمانانه با مزدوران جمهوری اسلامی در کردستان، به شهادت رسید. مرگ رفیق فواد این انقلابی کمونیست، نه فقط برای همسنگران بلکه برای زحمتکشان کردستان و تمام کسانی که او را میشناختند، تکان دهنده بود. چه بسیار خانه های زحمتکش نشین، که با بخش خیرات بنا ختن کاک فواد در غم و اندوه فرو رفتند. مخصوصاً زحمتکشان مریوان و جنوب کردستان که او را بارها در کنار خود در مرز غم و محل کار خود دیده بودند



کمونیستها جان باختگان خود را در راه های ارتقدس خرافی و مذهبی نمی بینند، زیرا جانباختگان در راه راهائی نرزمه پیروزی طبقه ای است که هر روز و هر ساعت نوجوانش، پیرمردان و پیرزنانش و میلیونها زن و مردش در کارگاهها، معادن و مزارع و در کل بدویتی که بیروزوای آن را جامعه نامیده است، می بینند و زنده می شوند.

جان باختگان کمونیست گرامی و فراموش ناشدنی اند زیرا در راهی تا به آخر جنگیده و با زنا بیستاده اند که خود گرامی و مقدس است :

راه رهائی طبقه کارگر و کل بشریت از نظام استثمار و ستم سرمایه داری ویی افکندن جامعه ای نوین و شایسته انسان آزاد، اگر کمونیستها در زندگی هر روزه خود آموزگار کارگران در امر انقلاب رها نبخش کمونیستی اند، کمونیستهای کیه قهرمانانه در این راه به استقبال مرگ می شناختند، گرامیترین آموزگارانند، زیرا آنان استیصال، زیبونی و ناتوانی بیروزوای و بیعاملی دستگاه قهر و سرکوب او را در برابر اراده استوار کارگران انقلابی به روشترین وجهه ثبوت میرسانند. گرامی باد یاد جان باختگان راه سوسیالیسم !

دروود بر انقلابیون کمونیستی که در سنگرهای کردستان انقلابی و در سیاه چالهای جمهوری اسلامی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم فدا کردند.

- رفقا :
- ۱ - اسعد غمیان
 - ۲ - صدیق علی پناه
 - ۳ - خالد رحمان پور
 - ۴ - بشیر مرگ آگاه و رزمنده کومه له که در تاریخ ۲۷ تیرماه ۶۳ در نبرد علیه نیروهای مزدور جمهوری اسلامی در روستای "آرمده" از توابع سانه جان خود را از دست داد.
 - ۵ - بشیر مرگ آگاه و انقلابی کومه له که در تاریخ ۲۸ تیرماه ۶۳ در نبرد علیه

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در بخش "سویستی" سردشت جان باختند.

۴ - جلیل دشتی

پیشمرگ آگاه و مبارز کومه‌له که در تاریخ ۳۱ تیرماه ۶۳ در نبرد علیه مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی در روستای "تازه‌آباد" از توابع "لیلاخ" سنج به شهادت رسید.

۵ - خالد نوری

پیشمرگ مبارز و انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۱ مرداد ماه ۶۳ در عملیات تصرف پایگاه "چاویلکان" بهین سنج و مریوان جان خود را از دست داد.

۶ - بدیع آسانی

پیشمرگان کمونیست و انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۳ مرداد ماه ۶۳ در روستای "خان آباد" نزدیک کامیاران در نبردی سخت و حماسی علیه مزدوران رژیم جنایتکار اسلامی که در نتیجه آن بیش از ۵۰ تن از مزدوران کشته و زخمی شدند، جان خود را از دست دادند.

(عضو ح.ک.ا. و

فرمانده یک دسته

از پیشمرگان)

۷ - صالح داریویی

(پیش عضو ح.ک.ا. و

مشتول کمیته

بخش بیله‌وار)

۸ - نبی یوسفی

(پیش عضو ح.ک.ا. و

عضو کمیته بخش

بیله‌وار)

۹ - انور فاتحی

(پیش عضو ح.ک.ا.)

۱۰ - علی کرم مظفری

۱۱ - هدایت مارابی

۱۲ - صدیق کمانگر

۱۳ - سلیمان مرادی

۱۴ - رزم آرا تنگسیری

۱۵ - شهرام عطایی

(پیش عضو ح.ک.ا. و

فرمانده یک دسته

از پیشمرگان)

۱۶ - سعید قنادی

با او درد دل کرده و درکنار او مبارزه کرده بودند، کاک فواد را خوب میشناختند، او را دوست و رهبر خود و حتی بیش از این او را نقطه اتکا خود میدانستند. وجه بسیار که او را از نزدیک ندیده بودند اما حرفهايش، مبارزانش، صمیمیتش و عشقش به آرمان‌گاران و زحمتکشان را با او داشتند و او را درکنار خود احساس میکردند.

خبر جان باختن رفیق فواد برای همه اینها تکان دهنده بود و باور نکردنی. درگرومیداشت با ذرفیق فواد مرور کوتاهی بر زندگی و مبارزات اومی کنیم.

رفیق فواد در سال ۱۳۲۲ در روستای آلمان از توابع مریوان زاده شد تحصیلات ابتدایی را در آن روستا و دبیرستان را در سنج گذراند. در سال ۴۶ وارد دانشگاه صنعتی تهران شد و با محافل مارکسیستی آشنا گردید و از همان سالها مبارزه سیاسی خود را آغاز کرد. و به همراه تعدادی از رفقاییش در پائیز سال ۴۸ تشکلی را بوجود آوردند که بعدها کومه‌له نام گرفت.

او و یارانش زیر اختناق آریا مهربی فعالانه کارآگاه کردن زحمتکشان را به پیش میبردند و جهت پیوند با آنها تلاش میکردند.

در سال ۵۳ رفیق فواد بوسیله ساواک شاه دستگیر شد و زجر شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفت. اما

ساواک نتوانست به روابط تشکیلاتیش بی بسرد. او در زندان نیز به مبارزه خود با رژیم پورژوا - امپریالیستی شاه فعالانه ادامه میداد دور هری بسیاری از مبارزات

پیشمرگان آگاه و انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۳ مرداد ماه ۶۳ در نبردی علیه مزدوران سرکوبگر رژیم اسلامی در روستای "باوه‌ریز" از توابع سنج جان خود را فدا کردند.

لشکرکشی ۲۸ مرداد جمهوری اسلامی بودند که در ۹ شهریور ماه در سردری در "بسطام" واقع در بین شهرهای سقز و مریوان گلوله‌های لشکرکشی چهارم و سربازان را بر زمین افکند. زحمتکشان آلمان، رادگاها و، بیکری جان فواد را که گلوله‌ای برکتش نشسته بود و رگباری در پایش شکافی عمیق انداخته بود؛ با غم‌آلودگی حماسی به خاک سپردند.

۵ سال از جان باختن فواد میگذرد. از این تاریخ جنبش انقلابی کردستان ۵ سال است استوار در برابر هجوم‌ها و لشکرکشی‌های بی دربی جمهوری اسلامی ایستاده است و عزم و استواری کمونیست‌ها در این جنبش که همراه و هر روز حماسه‌ای تازه می‌آفرینند، بی تردید یا فواد، این کمونیست پرشور و رهبر خلق کرد را جاودانه کرده است.

کاک فواد کمونیست پرشوری بقیه در صفحه ۲۰



که رفیق فواد و همسنگرانش بنیان گذاشته بودند به رهبر و سازمانده و نقطه امیدتوده‌های زحمتکش و انقلابی بدل میشد.

رفیق فواد با خمیص بر جسته انقلابی، با قدرت رهبری و عزم بی‌تزلزلش در همه این موارد زندگی پرافتخار و سرافراز کومه‌له نقشی بسزاد داشت. فواد و همزمانش در کومه‌له دست در کار سازماندهی مقاومت انقلابی زحمتکشان کردستان در مقابل

درون زندان را برعهده داشت. از جمله در مرداد ماه ۵۷ در زندان سنندج یک اعتصاب ۲۴ روزه را رهبری کرد که به پیروزی رسید. این اعتصاب در خارج از زندان نیز انعکاس یافت و تظاهرات و تجمعات مردم را برانگیخت. کاک فواد چهار سال در زندان شاه بود و بالاخره در مهر ماه ۵۷، به همراه تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی، در اثر موج وسیع مبارزات انقلابی توده‌ها، آزاد شد. و فعالانه به سازمان دادن مبارزات انقلابی توده‌ها پرداخت.

در روزهای قیام بهمن و مبارزات پرشور بعد از آن رفیق فواد در شهرهای جنوبی کردستان - بویژه سنندج و مریوان - نقشی برجسته داشت. کومه‌له، سازمان کمونیستی که رفیق فواد با جمعی از همسنگران ۹ سال پیش از آن بنیان گذاشته بودند، همراه با قیام علنا اعلام موجودیت کرد. رفیق فواد و همزمانش در کومه‌له عملاً مبارزه‌شان با جوش انقلابی زحمتکشان قیام کرده عین شد. در حرکات قیام در شورا‌های شهر سنندج، در کوچ شهر مریوان در به‌گیمه‌تی جوتیاران، در تشکیل اولین دسته‌های پیشمرگ کومه‌له، در تشکیل "جمعیت" ها در تمام شهرهای کردستان و بالاخره در سازماندهی مقاومت زحمتکشان بی‌خاسته کردستان در برابر لشکرکشی خمیسی در ۲۸ مرداد ۵۸، همه جا کومه‌له، سازمان کمونیستی

بقیه از صفحه ۱۲

۱۷- بختیار کمالی

۱۸- صالح محمدی

۱۹- حسین جای بیز

بیشمرگان انقلابی و رزمنده کومه‌له که در تاریخ ۹ مرداد ماه ۶۳ در نبرد علیه سرکوبگران جمهوری اسلامی در داخل شهر یان به شهادت رسیدند.

بیشمرگ آگاه و رزمنده کومه‌له که در تاریخ ۱۶ مرداد ماه ۶۳ در مقابل با یورش وحشیانه نیروهای مزدور رژیم به بخش "سویسی" سردشت جان خود را از دست داد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

طرح جنایتکارانه جمهوری اسلامی

برای کوچاندن

اهالی ۱۰۰ روستا در کردستان



در کردستان انقلابی...

ضربات پی در پی پیشمرگان کومه‌له

بر پیکر مزدوران جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان

* مزدوران جمهوری اسلامی حتی در شهرهای تحت اشغال کردستان نیز خواب آرام ندارند!

رژیم ددمنش اسلامی در ادامه بیش از پنج سال جنایت و کشتار در کردستان، در صدد است که با کوچاندن توده‌های زحمتکش روستا های مرزی کردستان برگ دیگری بر کارنامه سزاپاسانه و ضد بشری خویش بیفزاید. رژیم پاسدار جهل و سرمایه به مردم یکصد روستای مناطق مرزی شهرستان سردشت در "سویستی" و "آلان" اختار کرده است که روستاهای محل زندگی خود را ترک کرده و به نقاط دیگری کوچ کنند.

خشم و نفرت بی‌پایان توده‌ها از این طرح فذانسانی و جنایت کلزانه برانگیخته شده و هم‌اکنون مبارزات و اعتراضات آنان علیه طرح مزبور ادامه دارد. خیراین طرح وحشیانه جمهوری اسلامی در خارج کشور نیز بطور وسیعی انتشار یافته و رفقای ما به تبلیغات گسترده‌ای برای افشای هرچه بیشتر چهره کریه‌وفانیستی جمهوری اسلامی در انظار عمومی جهان و جلب پشتیبانی توده‌ها و نیروهای مترقی و آزادیخواه و انقلابی از مردم این روستاها در جهت خشنی کردن طرح جمهوری اسلامی دست زده‌اند.

این طرح جدید فاشیستی در صورت بیاذه شدن، قریب به ۱۶۰۰ خانوار مردم زحمتکش مناطق

۲۷ تیر و ۸ مرداد عملیاتهایی را در شهرهای سنندج، کامیاران، سقز و بوکان با جراه درآوردند که طی آنها تعداد زیادی از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند و غنائمی نیز بدست پیشمرگان افتاد. مردم مبارز شهرهای مزبور به گرمی از پیشمرگان استقبال کردند و رفقای پیشمرگ برای آنها سخنرانی نموده و در میان آنان تراکت و اعلامیه پخش کردند.

در عرض کمتر از یکماه مزدوران در شهرهای سنندج، کامیاران، بوکان، سقز، سردشت و بانه ۷ بار مورد حملات پی در پی پیشمرگان کومه‌له قرار گرفتند. ما در این صفحات عملیات موفقیت آمیز پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) در شهرهای سردشت و بانه را مختصراً شرح خواهیم داد. علاوه بر این سه عملیات، پیشمرگان کومه‌له در تاریخهای ۱۱، ۲۴،

رئیس شهربانی ورئیس آگاهای سردشت در اسارت پیشمرگان کومه‌له

افطی" رئیس آگاهای سردشت و یک مزدور دیگر رژیم را با اسارت گرفتند و از شهر خارج نمودند و ورود رفقای پیشمرگ به شهر و عملیات آنان با استقبال و احساسات گرم و پر شور مردم مبارز سردشت روبرو شد.

پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) از گردان سردشت، در غروب روز ۲۷ تیرماه وارد شهر سردشت شدند و طی یک عملیات موفقیت آمیز "تعمت‌اللهی" رئیس شهربانی و ستوان دوم "محمد

۷ ساعت ونیم نبرد شدید در شهر بانه

- * رفقای پیشمرگ از گردان بانه در تاریخ های ۳ و ۹ مرداد وارد شهر بانه شدند.
- * طی دو نبردها نفر از مزدوران در شهر بانه بهلاکت رسیدند.
- * پیشمرگان کومه له پس از چند ساعت نبرد حماسی حلقه محاصره دشمن را شکستند.

تنگ تر کرده و از چهار جهت رفقای پیشمرگ را مورد یورش و حمله خود قرار دادند. اما پیشمرگان با شجاعت و جسارت کم نظیری بمقابله با نیروهای دشمن پرداختند و پس از چند ساعت نبرد دشمن را وادار به عقب نشینی کردند. با وجود این نبرد هنوز قطع نشده و دوباره شدت یافت و این در حالی بود که مهمات پیشمرگان روبه تمام بود. بنا بر این رفقا در این هنگام دست بیک حمله شدید تهاجمی زده و تا نزدیک جنازه های دشمن پیشروی کردند و مقادیری مهمات بدست آوردند. درگیری تا ساعت ۲ ونیم با مداد همچنان ادامه پیدا کرد. دشمن حمله دیگری را سازمان داد و رفقا این یورش مزدوران را نیز درهم شکستند و مقادیر بیشتری مهمات از دشمن گرفتند. ساعت ۳ ونیم با مداد دشمن با زهم نیروی جدید وارد عملیات نمود. رفقای پیشمرگ بار دیگر بقصد شکستن حلقه محاصره به مزدوران حمله کردند و بالاخره در ساعت ۴ ونیم با مداد موفق به شکستن حلقه

رفقای پیشمرگ در شبانگاه ۳ مرداد وارد شهر بانه شدند و طی عملیاتی موفقیت آمیز یک مقر دشمن را در داخل شهر بانه درهم کوبیده و تلفاتی نیز بر دشمن وارد آوردند و سپس همگی سالم از شهر خارج گشتند. شبانگاه ۹ مرداد رفقای پیشمرگ بار دیگر وارد شهر بانه شدند و ابتداء در میان استقبال گرم مردم با آنها به گفتگو نشستند. سپس بیک از مقرهای دشمن در مدرسه احمدیه حمله نموده و بوسیله آر بی جی این مقر را به آتش کشیدند.

در ادامه عملیات رفقای ما با تعداد زیادی از افراد نیروی دشمن مواجه شده و پس از مدتی به محاصره دشمن درآمدند. رفقا بعدت یک ساعت با آنها درگیر شدند و آنگاه خود را به خانه های رسانده و در آنجا سنگر گرفتند. مزدوران جمهوری اسلامی بصورت ناختمان پیشروی کردند و خود را به پشت بام خانه رساندند و از آنجا شروع به پرتاب نارنجک به سوی پیشمرگان کردند. بدین ترتیب مزدوران حلقه محاصره را

مرزی "سویستی" و "آلان" را از همان ممر درآمدنا چیز فعلی شان نیز محروم کرده و زندگی فقیرانه آنها را دستخوش تباهی و در بدری هرجه بیشتری می کند. و تاریخ حیات جمهوری اسلامی و برکات اسلام در کردستان مملو از موارد بیشماری از این اعمال ددمشانه است. هر جا که جمهوری اسلامی پا گذاشته چیزی جز ویرانی و قتل عام، جز سلب ابتدائی ترین حقوق انسانی و اجتماعی توده ها با خود به همراه نیاورده است.

اما جمهوری اسلامی که تا کنون همه شیوه های سرکوب و جنایت را در مورد توده های خلق کرد و برای بزانو در آوردن این خلق آزمایش کرده، جز نفرت فزاینده توده ها و سرسختی بیشتر آنان علیه اینهمه ظلم و سفاکی حاصل نگرفته است. بیش از ۵ سال است که خلق کرد علیه رژیم جور و ستم اسلامی بهاخته و یقیناً در برابر این توطئه جدید رژیم نیز ساکت نخواهد نشست.

محاصره دشمن شده و از شهر خارج گردیدند.

طی این عملیات حماسی بیش از ۵۰ تن از افراد دشمن کشته و زخمی شدند. آمبولانسهای رژیم مدام مشغول حمل کشته ها و زخمی های این نبرد بود. تعداد زخمی های این نبرد بود که مزدوران مردم عادی را از بیمارستانها بیرون برده و محرومین خود را بجای آنان در بیمارستان بستری میکردند.

کردستان، گورستان مزدوران جمهوری اسلامی است

طی کمتر از سه هفته، پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران طی چند عملیات وسیع تلفات بسیاری بر نیروهای دشمن

وارد آوردند، سلاح و مهمات زیادی به غنیمت گرفته و تعدادی از افراد دشمن را اسیر نمودند. همچنین یک پایگاه و یک مقر مزدوران را نیز تخریب کردند:

شکست مفتضحانه مزدوران رژیم در شمال کردستان

* ۱۳ نفر به اسارت پیشمرگان کومه له درآمدند. غنائم بسیاری بدست پیشمرگان افتاد.

ساعت ۳ ونیم بعد از ظهر روز ۱۵ مرداد نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی روستای "ناوسر" از توابع "معال انزل" در شمال کردستان را به محاصره درآوردند. چندین واحد از پیشمرگان کومه له از گردان ۲۲ ارومیه که در این روستا حضور داشتند، بلافاصله از چند جهت به سمت بلندیهایی که توسط دشمن به اشغال درآمد، بود دست به پیشروی زدند. در همان لحظات اول تعرض، رفقای پیشمرگ اکثر نقاط مهم را از دست مزدوران خارج ساخته و در ادامه نبرد، سایر نقاط تحت اشغال دشمن نیز یکی پس از دیگری به تصرف پیشمرگان درآمد. رفقای پیشمرگ به تعرض خود ادامه داده و مزدورانی را که قصد فرار داشتند به محاصره انداختند. نیروی کمکی و تازه نفس رژیم نیز که قصد وارد شدن به صحنه عملیات را داشت با کمین پیشمرگان

برخورد کرد و با تحمل تلفاتی مجبور به عقب نشینی شد. در ساعت ۷ ونیم بعد از ظهر رفقای پیشمرگ تعرض نهایی خود را آغاز کردند و در این مرحله نبردی تن به تن و سنگر به سنگر میان پیشمرگان و نیروهای دشمن آغاز شد که در ادامه آن کلیه سنگرهای دشمن بدست پیشمرگان افتاد. سرانجام مزدوران جمهوری اسلامی بطور کامل تارومار شده، ۱۳ تن از آنان با اسارت پیشمرگان درآمدند و بقیه مزدورانی که در این نبرد شرکت داشتند کشته شدند. طی این نبرد غنائم زیر بدست پیشمرگان افتاد: یک قبضه تفنگ ۱۰۶ میلی متری، ۱۴ قبضه سلاح سبک، یک قبضه نارنجک انداز، یک قبضه تیربل ژ-۳ و مقادیری فشنگ، خشاب و نارنجک و همچنین یک دستگاه بی سیم، دو دستگاه انومیل دشمن نیز بدست پیشمرگان با تش کیده شد.

۹ تن از باران فداکار حزب کمونیست ایران در یک یورش وحشیانه رژیم

جان باختند

- * بیش از ۵۰ تن از مزدوران ازبای درآمدند.
- * درگیری بیش از ۹ ساعت ادامه داشت.

در تاریخ سوم مرداد ماه یک واحد از پیشمرگان کومه له از گردان شاهو که با رفقای کمیته بخش "بیله وار" از توابع کامیاران عازم یک ماوریت تشکیلاتی بودند با یورش وسیع و وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی مواجه میشوند. رفقای پیشمرگ قهرمانانه با وجود تعداد بسیار زیاد افراد و برتری های نظامی دشمن بمقابله با یورش نیروهای جنایتکار رژیم دست میزنند. رفقای پیشمرگ بیش از ۹ ساعت با نیروهای دشمن درگیر نبردی سخت شدند و طی آن بیش از ۵۰ تن از مزدوران رژیم را کشته و با زخمی کردند.

ولی در کمال تأسف در این نبرد حماسی، سخت و نابرابر رفقا: بدیع آمانی، عضو حزب کمونیست و فرمانده یک دسته از پیشمرگان کومه له، صالح داربویی، پیش عضو حزب کمونیست و مسئول کمیته بخش "بیله وار" نیسی یوسفی، پیش عضو حزب کمونیست و عضو کمیته بخش "بیله وار"، انور فاتحی پیش عضو حزب کمونیست ایران، علی

بقیه از صفحه ۱۷

کرم مظفری، هدایت مارابی، صدیق کمانگر، رزم آرا تنگیسری و سلیمان مرادی پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در مبارزه با نیروهای ددمنش و جنایتکار جمهوری اسلامی جان خود را فدا کردند.

این اولین بار نیست که حزب کمونیست ایران در مبارزه علیه جمهوری سیاه اسلامی، برای تحقق دموکراسی انقلابی، استقرار حاکمیت کارگران و زحمتکشان و برای سوسیالیسم چنین رفقایی را از دست میدهد. تاریخ چند سال اخیر مبارزه طبقاتی در ایران شاهد از دست دادن بسیاری از انقلابیون و کمونیست‌های از جان گذشته‌ای است که علیه ستم

و استعمار سرما به داری و برای دستیابی به آرمان والای خود جان خویش را فدا کرده‌اند. زحمتکشان و ستمدیدگان کردستان نیز در مبارزه برای کسب حق تعیین سرنوشت و نبرد انقلابی علیه جمهوری سرکوبگر اسلامی فرزندان بسیاری را از دست داده‌اند. ما

در اینجا بار دیگر پیمان می‌بندیم که تا سرنوشت جمهوری اسلامی، نابودی هر نوع ستم و استعمار و برقراری سوسیالیسم یک دم از پای ننشینیم و با ادامه راه این کمونیست‌های خستگی‌ناپذیر با دشمن را گرامی داریم.



نبرد ۵ روزه در ناحیه سردشت

* بیش از ۷۰ تن از مزدوران رژیم بهلاکت رسیدند.
* رفا رحمانی یکی از فرماندهان دشمن کشته شد.
* غنائم جنگی زیادی بدست پیشمرگان کومه له افتاد.

محنه‌های نبرد بجای ماند که در میان آنها جنازه "رفا رحمانی" فرمانده عملیات شناسایی شد. در همین نبرد غنائم بدیسی شرح بدست پیشمرگان کومه له افتاد: یک قبضه آرپی جی، ۷ قبضه سلاح سبک، یک قبضه تیر بار قناسه، دودستگاه بی سیم بی آر سی ۷۷ و مقدار دیر زیادی فشنگ و مهمات دیگر.

طی این عملیات دوتن از رفقای انقلابی و خستگی‌ناپذیر حزب کمونیست ایران، رفقا خالد رحمانپور و صدیق علی پناهی به شهادت رسیدند. یادشان گرامی باد.

رژیم سرکوبگر اسلامی از تاریخ ۲۲ تا ۲۸ تیرماه پورش‌های وسیعی را به منطقه مرزی "سویسنی" در ناحیه سردشت سازمان داد. این پورش‌ها بمدت ۵ روز ادامه داشت و رفقای پیشمرگ طی این مدت دفاعی فعال علیه پورش‌های وحشیانه رژیم را سازمان دادند. پیشمرگان حزب دموکرات نیز در این درگیریها شرکت داشتند.

طی این نبردها بیش از ۷۰ تن از مزدوران رژیم از پای درآمدند و تعدادی نیز زخمی شدند. تنها در یک نبرد در روز ۲۸ تیرماه جنازه ۱۰ تن از مزدوران در

تصرف یک پایگاه دشمن بدست پیشمرگان کومه له

* جنازه علیرضا حسینی (پادار) فرمانده پایگاه نورمحمدی در جنوب کردستان، در محنه نبرد بجای ماند.
* غنائم بدست پیشمرگان افتاد.

در تاریخ اول مرداد ماه رفقای پیشمرگ از گردان شوان به یکی از پایگاه‌های رژیم در بخش "کلترزان"، در فاصله بین شهرهای سنندج و مریوان حمله کردند (دشمن در روستاهای

زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش

صرف کا مل یک مقر دشمن
در ناحیه مربوان

بعد از ظهر روز ۱۷ تیرماه
پیشمرگان کومه له، گردان کاک
فواد، همزمان به ۴ مقر دشمن
واقع در روستای "کاکل" در ۲۶
کیلومتری شمال مربوان حمله
کردند. بدنبال تعرض رفقای
پیشمرگ، افراد دشمن فراری
شدند و عده ای از آنان خود را در
طوبله پنهان کردند. سرانجام
گروه پیشروی پیشمرگان یکی از
مقرها را تماما به تصرف خود
درآوردند.

عملیات یکساعت ونیم بطول
انجامید و طی آن تلفاتی بسز
نیروهای دشمن وارد آمد. غنائم
بدست آمده در این عملیات به
شرح زیر است: ۲ قبضه سلاح سبک
و مقادیر زیادی مهمات و وسائل
تدارکاتی.

متاسفانه طی این نبرد حزب
کمونیست ایران دوتن از رفقای
خود را از دست داد. رفقا
سردار احمدیار و حسن آذری،
پیشمرگان انقلابی و جسور
کومه له در تصرف مقر دشمن جان خود
را فدا کردند. یادشان گرامی باد.

بقیه از صفحه ۱۶

۷ ساعت ونیم ...
متاسفانه دورفیق پیشمرگ
دوتن از یاران فداکار حزب
کمونیست ایران، رفقا
بختیار کمالی و محمد صالحی
در این درگیری حماسی، در مقابله
با یورش وحشیانه مزدوران
اسلامی جان خود را فدا کردند
با دستان گرامی و راهشان بیرون

و اسلح و تجهیزات پایگاه را
تخلیه نمودند.

غنائمی که طی این عملیات
موفقیت آمیز بدست رفقای
پیشمرگ افتاد عبارتست از: ۴
قبضه سلاح سبک، ۳۴۰۰ عدد
فشنگ و مقادیر مهمات و وسائل
دیگر. در میان کشته شدگان دشمن
جنارزه "علیرضا حسینی"، پاسدار،
فرمانده پایگاه شناسایی شد.

ستون گروه ضربت سپاه پاسداران کرمانشاه و کامیاران
تار و مار شد

* طی این نبرد دهها نفر از مزدوران رژیم آزپای درآمدند.

اولین اتوموبیل افراد دشمن
که ۲۵ سرنشین داشت و یک کالیبر
۵۰ بر آن نصب بود، به کمین
پیشمرگان افتاد و ۲۱ تن از
سرنشینان آن کشته شدند. سپس
سایر خودروهای این ستون مورد
حمله قرار گرفتند و تعداد دیگری
از مزدوران آزپای درآمدند. پس
از آن نبردی تن به تن میان
رفقای پیشمرگ و مزدوران رژیم
اسلامی در گرفت که طی آن تیز
تعدادی از افراد دشمن کشته و
زخمی شدند. بالاخره پس از یک
ساعت نبرد شدید رفقای پیشمرگ
در میان استقبال مردم منطقه به
مقرهای خود بازگشتند. طی این
نبرد غنائمی نیز بدست پیشمرگان
افتاد.

اطراف این پایگاه، ۳ پایگاه
و مقر دیگر نیز دایر کرده است.
رفقای پیشمرگ در عرض مدت
کوتاهی ابتدا کلیه سنگرهای
دشمن را متصرف شدند و سپس تمام
پایگاه را به تصرف خود در
آوردند. در حین عملیات پایگاه
آتش گرفت و طی آن مقداری از
وسائل و مهمات پایگاه در آتش
سوخت. رفقای پیشمرگ بقیه

رفقای پیشمرگ کومه له از
گردان ناهو طی یک عملیات
موفقیت آمیز و غافلگیرکننده
ستون گروه ضربت سپاه پاسداران
کرمانشاه و کامیاران را مورد
حمله قرار دادند، ۳۰ نفر از
آنها را کشته و تعداد دیگری را
زخمی نمودند.

چند واحد از پیشمرگان در
شبانگاه ۲۳ تیرماه در حالیکه
عازم انجام یک مأموریت
تشکیلاتی بودند در ۱۳ کیلومتری
شهر کامیاران در مسیر
جاده کامیاران - روانسراز
حرکت یک ستون گشتی گروه
ضربت سپاه پاسداران کامیاران
و کرمانشاه مطلع میشوند و در
نتیجه در مسیر آنها کمین
میگذارند.

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد!

۱۲ ساعت سرد در جنوب کردستان

* بیش از صد تن اربابداران
چهل و سرما به گشته شدند.

با مداد روز ۳ مرداد ماه رژیم
سرکوبگر اسلامی با نیروی بسیار
زیاد وزیر پشتیبانی توپخانه و
کاتیوشا یورش وسیعی را به ۷
روستا در ۶ کیلومتری شمال
شرقی سنندج در فاصله بین جاده
سنندج - دیواندره و سنندج -
فروه آغاز کرد. رفقای پیشمرگ
از گردان شوان از ساعت ۵ و ۴۵
دقیقه در سنگرهای خود جا
گرفتند و آماده مقابله با یورش
رژیم شدند. در ساعت ۷ و نیم
با مداد اولین یورش رژیم آغاز
شد که این یورش در مدتی کوتاه
به شکست انجامید و دشمن مجبور
به عقب نشینی شد. اما در ساعت
۱۰ با مداد دشمن یک ستون نیروی
کمکی شامل ۵۰ خودرو و تعداد
زیادی نفرات و انواع سلاح و
مهمات وارد صحنه عملیات کرد.
در این هنگام دشمن با استفاده
از تاکتیک موج انسانی و آتش
بی دریغی توپخانه شروع به

پیشروی نمود. این یورش دشمن
نیز با دفاع فعال و هشیارانه
پیشمرگان مواجه شد و آنها یک
بار دیگر مجبور به عقب نشینی شدند.
پس از آن چندین یورش دیگر
رژیم نیز در هم شکسته شد و
بالاخره در ساعت ۷ بعد از ظهر
دشمن پس از متحمل شدن بیش
از ۱۰۰ کشته و زخمی توانست
بلندیهای اطراف را به اشغال
خود درآورد. شدت درگیری و
میزان تلفات دشمن آنچنان بود
که بیمارستانهای شهر سنندج
از اجساد و مجروحین دشمن پر
شد و روز بعد دشمن مجبور به
آوردن چند فروند هلی کوپتر
به صحنه نبرد شد تا با قیامانده
اجساد را نیز به سنندج منتقل کند.
متأسفانه، طی این نبرد
حماسی و قهرمانانه رفقا شهرام
عظایی، فرمانده یک دسته از
پیشمرگان کومه له و سعیدقنادی
در مقابله با هجوم وحشیانه
نیروهای مزدور جمهوری اسلامی
جان خود را از دست دادند. یاد
این رفقا همواره در میان
رفقای حزب کمونیست ایران و
مردم زحمتکش و مبارز جنوب
کردستان زنده و گرامی خواهد بود.

سرفراز سحر



روزنامه روزانه - شماره ۱۲ - ۲۵ بهمن ۱۳۴۳

محتوا

۱	تنگانی پیرامون تبلیغ جهان بینی کمونیستی
۲	روز پیشمرگان کومه له
۳	بقیه از صفحه ۱۴
۴	گزارش از تهران
۵	گزارش از اصفهان
۶	گزارش از تبریز
۷	گزارش از ارومیه
۸	گزارش از سنندج
۹	گزارش از کرمان
۱۰	گزارش از مشهد
۱۱	گزارش از قزوین
۱۲	گزارش از رشت
۱۳	گزارش از تبریز
۱۴	گزارش از ارومیه
۱۵	گزارش از سنندج
۱۶	گزارش از کرمان
۱۷	گزارش از مشهد
۱۸	گزارش از قزوین
۱۹	گزارش از رشت
۲۰	گزارش از تبریز
۲۱	گزارش از ارومیه
۲۲	گزارش از سنندج
۲۳	گزارش از کرمان
۲۴	گزارش از مشهد
۲۵	گزارش از قزوین
۲۶	گزارش از رشت
۲۷	گزارش از تبریز
۲۸	گزارش از ارومیه
۲۹	گزارش از سنندج
۳۰	گزارش از کرمان
۳۱	گزارش از مشهد
۳۲	گزارش از قزوین
۳۳	گزارش از رشت
۳۴	گزارش از تبریز
۳۵	گزارش از ارومیه
۳۶	گزارش از سنندج
۳۷	گزارش از کرمان
۳۸	گزارش از مشهد
۳۹	گزارش از قزوین
۴۰	گزارش از رشت
۴۱	گزارش از تبریز
۴۲	گزارش از ارومیه
۴۳	گزارش از سنندج
۴۴	گزارش از کرمان
۴۵	گزارش از مشهد
۴۶	گزارش از قزوین
۴۷	گزارش از رشت
۴۸	گزارش از تبریز
۴۹	گزارش از ارومیه
۵۰	گزارش از سنندج
۵۱	گزارش از کرمان
۵۲	گزارش از مشهد
۵۳	گزارش از قزوین
۵۴	گزارش از رشت
۵۵	گزارش از تبریز
۵۶	گزارش از ارومیه
۵۷	گزارش از سنندج
۵۸	گزارش از کرمان
۵۹	گزارش از مشهد
۶۰	گزارش از قزوین
۶۱	گزارش از رشت
۶۲	گزارش از تبریز
۶۳	گزارش از ارومیه
۶۴	گزارش از سنندج
۶۵	گزارش از کرمان
۶۶	گزارش از مشهد
۶۷	گزارش از قزوین
۶۸	گزارش از رشت
۶۹	گزارش از تبریز
۷۰	گزارش از ارومیه
۷۱	گزارش از سنندج
۷۲	گزارش از کرمان
۷۳	گزارش از مشهد
۷۴	گزارش از قزوین
۷۵	گزارش از رشت
۷۶	گزارش از تبریز
۷۷	گزارش از ارومیه
۷۸	گزارش از سنندج
۷۹	گزارش از کرمان
۸۰	گزارش از مشهد
۸۱	گزارش از قزوین
۸۲	گزارش از رشت
۸۳	گزارش از تبریز
۸۴	گزارش از ارومیه
۸۵	گزارش از سنندج
۸۶	گزارش از کرمان
۸۷	گزارش از مشهد
۸۸	گزارش از قزوین
۸۹	گزارش از رشت
۹۰	گزارش از تبریز
۹۱	گزارش از ارومیه
۹۲	گزارش از سنندج
۹۳	گزارش از کرمان
۹۴	گزارش از مشهد
۹۵	گزارش از قزوین
۹۶	گزارش از رشت
۹۷	گزارش از تبریز
۹۸	گزارش از ارومیه
۹۹	گزارش از سنندج
۱۰۰	گزارش از کرمان

گزارش از جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱۴
بسیار دگمک مواد
بود که خستگی نا پذیر در راه رهایی
طبقه کارگر و توده های ستمکش
از نظام سرما به داری مبارزه میکند
و بهمین خاطر زندگی اش را وقف
آگاهی و تشکیل کمونیستی نموده
بود. جان با ختن در نبرد
نا برابر با مزدوران جدید سرما به
در ایران بوی چندان مجال نداد
تا شمرا تژشهای خود و دیگر
پیشاهنگان کمونیست را در شکل
حزب انقلابی و پیشرو طبقه کارگر
بچشم ببیند، این حزب اکنون
برشانه های استوار قوا و دمه ها
تن از پیوستندگان دیگر راه
سویالیسم قدر افراشته است.

بقیه از صفحه ۱۱
نگاهی به ...
برای حفظ امنیت و ادامه کاری
انقلابیون کمونیستی که در اس
حواسناق حوسن و طبعه ما زمان -
دهی انقلاب سوسیالیستی را بر
عهده گرفته اند، فاصله خود را با
هر رفیق هواداری که، ولو از روی
بی دینی و سهل انگاری، اندک
تسهلای در ملاحظه امنیتی خود

بهای گذارد، حفظ کند. راه
نزدیکی رفقای هوادار به حزب،
فعالیت مداوم و بیکیفر بر اساس
رهنمودها و رعایت اکدموازی
سنگلانی و امنیتی حزب است.
مبارزه ما با پلیس سیاسی یک
مبارزه جاری و دائمی است. ما
با دهمواره، برای حفظ استکار
عمل سیاسی خود، از لحاظ
امنیتی لااقل یک کام از ارکان



پاسخ به نامه‌ها

توضیح :

تاکنون مدها نامه حاوی مطالب گوناگون، نظرات و پیشنهادات، سوالات، شرح فعالیت، اخبار مبارزات کارگران و غیره از سوی فعالین و هواداران حکا به هیئت تحریریه "کمونیست" و رادیو صدای حزب کمونیست ایران رسیده است. تعداد قابل ملاحظه‌ای از این نامه‌ها را رفقای کارگری که در نقاط مختلف ایران به فعالیت مشغولند برای ما ارسال داشته‌اند و این سهم خودشان میدهد که حزب ما روز بروز در میان توده‌های هم طبقه‌مان ریشه می‌دواند و کارگران کمونیست بطور روز افزونی به مبارزه متشکل در صفوف حزب طبقاتی خود روی آور می‌توند.

اگرچه ارسال نامه‌ها و گزارشات و سوالات و پیشنهادات از سوی هم‌رفقا خود یکی از بهترین شوق‌های ما است، اما تمامی رفقا باین بسنده نکرده و طی نامه‌های خود احساسات کمونیستی پرشوری نسبت به رفقای نویسنده و دیگر رفقای رادیو صدای حزب کمونیست ایران و نشریه کمونیست ابرار داشته‌اند. ما نیز متغایلاً احساسات و تبریکات گرم و صمیمانه خودیمانست ادا می‌کنیم. فعالیت این رفقا بخت بروج حزب

کمونیست ایران را آتان ابراز میداریم و برایشان آرزوی پیروزی می‌کنیم. بسیاری از این نامه‌ها تاکنون از سوی صدای حزب کمونیست ایران مورد استفاده واقع گشته، به سوالات پاسخ داده شده و اخبار و گزارشات آن با اطلاع توده‌ها رسانده شده است. ه.ت. کمونیست نیز علاوه بر استفاده‌هایی که تاکنون از این نامه‌ها نموده، از این بعد سعی خواهد کرد که پاسخنامه‌ها را در حدی که با گنجایش نشریه مطابقت داشته باشد در نشریه کمونیست درج نماید. بنا بر این پاسخ‌هایی که در این شماره ملاحظه می‌کنید تا مل تعداد معدودی از نامه‌ها بوده و علاوه بر این رعایت اختصار، ما تنها به ذکر جملاتی از نامه‌رفقا اکتفا می‌کنیم :

۱) - رفیق م. کوشی در نامه خود، این سوال را مطرح نموده است :

"آیا بوبولیمس بطور کلی ایدئولوژی خرده‌بورژوازی است یا تنها یک نوع رویزیونسم در سبک کار تشکیلاتی است و در کدامیک از آثار مارکسیست - لنینیستی می‌توان راجع به بوبولیمس اطلاعات بیشتری بدست آورد؟"

■

در پاسخ به این سوال توجه رفیق را به نکات زیر جلب می‌کنیم : الف - بوبولیمس که مکرراً در ادبیات مارکسیسم انقلابی و

حزب کمونیست ایران با آن برخورد می‌کنند ایدئولوژی خرده‌بورژوازی بطور کلی نیست، همه خرده‌بورژواها بوبولیمس نیستند، بلکه افکار و تمایلات و گرایشات گوناگونی را در خود منعکس می‌کنند که رویزیونسم بوبولیستی یکی از آنها است. منظور ما از بوبولیمس یا رویزیونسم بوبولیستی، منح و تحریف مارکسیسم از زاویه منافع جهان بینی خرده‌بورژوازی است. روش‌اساسی این نوع ویژه رویزیونسم در جزوه "سجز" و سه منبع سوسیالیسم خلقی در ایران که طی آن نظرگاه‌های فلسفی، اقتصادی و سیاسی رویزیونسم مورد بحث قرار گرفته‌اند آمده است. ما در اینجا مختصراً به این اشاره می‌کنیم که مهمترین آموزش مارکسیسم همانا آموزش مربوط به مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی و انکشاف ضروری آن به دیکتاتوری پرولتاریا است. رویزیونسم بوبولیستی بجای مبارزه طبقاتی مبارزه خلق علیه امپریالیسم، ارتجاع، استبداد، دیکتاتوری و غیره را موعظه می‌کند. بجای حزب کمونیست جنبه خلق، جنبه ضد امپریالیستی و بطور کلی سازمان‌های فوق طبقاتی را می‌نهد و بجای دیکتاتوری پرولتاریا، حکومت عموم خلقی، جمهوری خلق، جمهوری دموکراتیک خلق و غیره را بعنوان هدف نهایی کارگران موعظه می‌کند. این اهداف و این مواضع قطعاً به آن نیروی اجتماعی شعلق دارند که

در عین اینکه از ستم سرمایه بزرگ به تنگ آمده است و در حالیکه از استبداد دوسرکوب سیاسی رنج می برد اما در عین حال از مبارزه بین طبقات و تنگنا مل آن تا حد حکومت طبقه کارگرنیز می هراسد. این نیروی اجتماعی خورده بورژوازی است و پوپولیسم انکساز جهان بینی و نقد خورده بورژوازی از نظام سرمایه داری بطور کلی و سرمایه داری عمده مبرهالیسم درکشورهای تحت سلطه بطور خاص است.

ب- رویزیونیم پوپولیستی مانند هر نوع رویزیونیم دیگر مبین آراء و عقاید یک طبقه غیر پرولتر در لفافه مارکسیسم است و به این اعتبار نه فقط به سبب کار تشکیلاتی بلکه به عرصه سیاست و مبارزه طبقاتی نیز محدود نمیشود. مارکسیسم انقلابی بیشتر در عرصه نظرات اقتصادی، فلسفی و سیاسی رویزیونیم پوپولیستی را افشا کرده است و دستیابی ما به سبب کارکمونیتی یکی از سنگهای پیشرفت پرولتاریا در عرصه مبارزه سیاسی است.

ج- نظریه اینکه جنبشهای ملی و فدا مپریالیستی بمنابا به بستر اصلی این رویزیونیم معین در دهه های معاصر قرن بیستم حدت و شدت بیشتری یافته اند مارکس، انگلس ولنین با این رویزیونیم معین مواجه نبوده اند و باین اعتبار نیز بآن نپرداخته اند؛ گرچه مارکس ولنین در آثار گوناگون سرشت واقعی سوسیالیسم خورده بورژوازی پرودنیستها و

نارودنیکیها و غیره را فاش ساخته اند. بعلاوه سلطه رویزیو- نیسم در چندین دهه اخیر در سراسر جهان نیز خود مانع نقد این رویزیونیم معین از زاویه سوسیالیسم پرولتری گردیده است. به این خاطر اگرچه نمی توانیم آثار تاری جزا را مارکسیسم انقلابی ایران در نقد رویزیونیم پوپولیستی را بشما معرفی کنیم اما یاد آوری می شویم شما می توانید در آثار ما شوشه دون، چه گوارا و ادبیات دوره آغا زین فعالیت چریکیهای فدائی خلق ایران مریح ترین بندگان رویزیونیم پوپولیستی را بباید.

۴- رفیق تقی آرام، پس از اینکه در مورد چگونگی و دامنه فعالیت کنونی سازمان پیکار سوال می کند، می گوید: "شما گفته اید که سازمان پیکار در نزاع بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی به بیراهه رفت. تا آنجائی که من یادم می آید شما را علیی زمان سازمان پیکار "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها" بود؛ لطفا بیشتر توضیح دهید". علاوه بر اینها رفیق تقی نظرها را راجع به چین پرسیده است.

رفیق تقی!

در مورد سوال اول شما باید بگویم تا آنجا که ما اطلاع داریم امروز هیچ سازمانی تحت عنوان پیکار فعالیت نمی کند. و ما پاسخ سوال دومتان: با اعتقاد ما شما اصلی سازمان پیکار در اوج

دوره فعالیت خود، یعنی شعار "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها" اشتباه بود زیرا:

اولا - قسمت اول این شعار که علیه دو جناح بورژوازی یعنی حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها موضع می گیرد، سلطنت طلبان را نادیده می گرفت. "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها" نه فقط شما بلکه هر نمود عملی سلطنت طلبان نیز می تواند باشد. اما علت در غلتیدن سازمان پیکار باین نوع موضعگیری، محدود کردن مبارزه به یک مبارزه "ضد رژیم" و نیروهای مسلط بر ابزارهای دولتی در آن موقعیت معین است. پیکار که هیچگاه نخواست و نتوانست مبارزه طبقاتی علیه کل بورژوازی را درک و راهنمای خود قرار دهد؛ به ناگزیر در موضع گیری خود فقط بخشی از آن را هدف می گرفت.

ثانیا - قسمت دوم این شعار نیز نادرست است. نادرست است بدین خاطر که در حالیکه "توده ها" را به پیکار فرا میخواند هیچ هدف معینی را مدنظر قرار نمی داد. در حالیکه مهمترین سوال آنروز و امروز در مقابل کارگران نه مبارزه با تمکین به بورژوازی و رژیم جمهوری اسلامی بلکه آلترنا تیبان یعنی هدفی که کارگران و زحمتکشان باید بدنبال آن باشند بوده و هست. اما برای پیکار هدف مبارزه مطرح نبود بلکه خود مبارزه های هدف را گرفته بود. "زنده باد پیکار توده ها": بسیار خوب؛ اما

بیکار رتوده‌ها درجه‌جهتی و برای تحقق چه هدفی؟ این سوالی است که نه تنها "شعارمحوری" بیکار به آن پاسخ نمی‌گوید بلکه بیکار در سرا سرحیات خویش ازدادن پاسخ قطعی به این سوال امتناع کرد. بیکار ره‌یگانه نخواهد توانست اهداف سازمان خود و به تبع آن اهداف "بیکار"ی که بوده‌ها را به آن فرامیخواند شخص کند. هیچ نیروئی نیست که خود را انقلابی بخواند و با حتی کمتر از آن خود را مخالف رژیم بدانند و در شعار "بیکار رتوده‌ها" حمایت نکنند. آنچه که تنها بزیمن این نیروها را مشخص می‌کند و تعلق طبقاتی نیروها را آشکار می‌سازد هدف مبارزه‌ای است که این سازمانها "رتوده‌ها" را به آن فرامیخوانند. به این خاطر با اعتقاد ما شعار "زنده باد بیکار رتوده‌ها" در بهترین حالت خود مبهم بود. بجای آنکه روشن، واضح و بطور فشرده هدف را مشخص کرده باشد، گنج‌کننده بود. شعار مزبور، مبارزه معینی را بی‌سبب بای کارگران و زحمتکشان قرار نمیداد و نتیجه عملی آن به هرزبردن انرژی کارگران و تمامی انقلابیونی بود که تحت انوریته و نفوذ بیکار قرار داشتند. بر طبق این شعار بیکار همه نیروی سازمان در خدمت این قرار گرفت که در آتش "بیکار رتوده‌ها" دمیده شود و آنکه این مبارزه مشکل نبود، اهداف خود را با زشتا سد و به این اعمار به سطوح بالاتری ارتقاء یابد.

علاوه این شعار را درست بود

زیرا حتی در جها خوب همین شعار منفی - یعنی شاعری که بخشی از بورژوازی را منفی می‌کند بجای آنکه وی را در عین اینکه اشیا شایسته‌ها را در برابر کارگران و زحمتکشان قرار دهد - نیز، بیکار به مبارزه توده‌ها علی‌العموم - نه مبارزه یک طبقه معین و با اعتقاد ما مبارزه طبقه کارگر بعنوان مبنای و نیروی محرکه هر تحول جدی در جامعه - دل بسته بود. بیکار مبارزه بطور کلی را مدنظر داشت و نه مبارزه طبقه‌ای کارگران علیه بورژوازی را. بیکار خود را موظف می‌دانست هر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی را مستقل از اینکه چه اهدافی را دنبال می‌کند و به کدام طبقه اجتماعی معین تعلق دارد حمایت کند و به آن زنده باد بگوید. باین خاطر بود که وقتی لیبرالها از قدرت رانده شدند و مخالفت علیه جمهوری اسلامی علیرغم تمایل خودشان به آنها تحمیل شد، بیکار که تمام انقلابگری این را در برابر رژیم جمهوری اسلامی تعریف می‌کند، در برابر لیبرالهایی که اکنون مخالف جمهوری اسلامی شده بودند به تزلزل و یون افتاد. بخشی از شعار علیه حزب جمهوری و علیه لیبرالها حذف گردید و علیه حزب جمهوری به تنها راز وجودی بیکار تبدیل شد. بیکار که خود موضع عوض کرده بود جنس استدلال میکرد که کوبا موضع لیبرالها را در کون ندهد است. لیبرالها کوبا اکنون با خلق همسو شده‌اند و غیره و غیره.

اما این سربوس بیکار

شما دفی نبود. جریان‌ی که هیچگاه کلیت نظام سرمایه‌داری را - مستقل از اینکه چه شکل حکومتی معینی داشته باشد - حجاج بورژوازی قدرت دولتی را در دست داشته باشد - مورد نقد بیکار قرار نداد، جریان‌ی که سرمایه‌داری را فقط در هیات یک رژیم سرکوبگر درک می‌کرد و به تبع آن نسبت به جریان‌های مختلف بورژوازی نه به اعتبار اهداف و سرشت طبقاتی شان بلکه به اعتبار موضعات نسبت به رژیم فعلی و چگونگی برخوردشان با مساله قدرت دولتی قضاوت میکرد، بطور احتیاط با پذیرفتن تابع ناکتیکها و عملکردهای این سازمان بورژوازی گردید. این همان راهی بود که سازمان چریک‌های فدائیان خلق در مقطع اشغال سفارت آغاز کرد، سازمان رزمندگان در مقطع شروع جنگ بین ایران و عراق بدان بسا گذاشت و بیکار نیز در وقایع پس از اسفند ۵۹ بدان در غلطید.

این بروسه تجزیه و تلاشی نیروهای که خود را مدافع "خلق" می‌دانند و به "بیکار رتوده‌ها" متکی اند در متن مبارزه طبقاتی و قطعی شدن هر چه بیشتر جامعه اجتماع نا بذر است و این سربوس هم به نیروهای است که هور هم به حفظ مواضع شکست خورده پیشین اصرار می‌ورزند.

در باره جنس ما بد نکوشم که جنس امروزیک کشور کاملاً سرمایه‌داری است. با اعتماد ما جنس همکارا هوسالمنی نبوده و همکارا طبقه کارگر جنس قدرت

سیاسی را در دست نداشت است .
با اعتقاد ما در سالهای نخست پس
از انقلاب ملی چین و در شرایط
دموکراتیک پس از آن دوران ،
طبقه کارگر بخشاً در قدرت دولتی
ذی سهم بوده است . این سهم
بودن طبقه کارگر در قدرت دولتی
نه لزوماً از طریق حزب کمونیست
چین و در عالیترین ارگانهای
دولتی بلکه عمدتاً از طریق
سازمانهای توده‌ای کارگران و
نهادهای پایه‌ای قدرت دولتی
بوده است . اما رشد مبارزه
طبقاتی بین بیژولناریا و بورژوازی
چین به از دست رفتن کامل همین
اندازه از قدرت دولتی و سلطه
یگانه بورژوازی چین منتهی شد .
طی این دوره مبارزه بورژوازی
چین موفق شده تنها طبقه کارگر
را بطور کامل از قدرت دولتی
بیرون براند بلکه توانست نظم
مطلوب خود را برای استثمار
کارگران نیز مستقر کند .

۳ - رفیق هوشنگ رشیدی طی
نامه خود می پرسد :

" صدای حزب روشن نمی کند
که مرزبین براتیک بپولیتسی
با براتیک کمونیستی در چیست ؟
مگر نه اینکه سازمانهای خسرده
بورژوا فیلان شریه پخش میکردند
و کمک مالی از هواداران می
گرفتند ، امروز مسئولین حزب
هم به همان شیوه سابق به دادن
شریه و کرفس کمک مالی و
جمع آوری هواداری بردارند

پس این تفاوت کجاست ؟ "

■

رفیق هوشنگ !

مرزبین براتیک بپولیتسی
و براتیک کمونیستی را انتشار
شریه ، جمع آوری کمکهای مالی
و حتی بسیاری دیگر از فعالیتهای
عملی مشخص نمی کند . انتشار
شریه ، جمع آوری کمک مالی ،
توزیع شریه ، پخش اخبار
مبارزاتی ، سازماندهی کارگران
وزحمتکشان هوادار ، جنگ وده‌ها
فعالیت دیگر جز لایتنج‌های هر
فعالیت سیاسی است . هیچ
سازمانی نمی تواند در این
عرصه فعال نباشد و در عین حال
خود را یک سازمان سیاسی بداند .
ما نیز در نقد سبک کار بپولیتسی
هیچگاه از شور و شوق سازمانهای
خرده بورژوا در فعالیت سیاسی
شان و با از اینکه تلاش میکرده‌اند
دامنه نفوذ سازمانشان گسترده
شود انتقاد نگردیده‌ایم .

ما منظم گفته‌ایم که نقطه
اساس نقد ما بر فعالیت این
سازمانها محدودنگری آنها در
مبارزه یعنی محدود ساختن هدف
کارگران به یک انقلاب
دموکراتیک ، امتناع از آگاهی
و سازماندهی سوسیالیستی کارگران
و متشکل ساختن آنان در حزب
یگانه طبقه کارگر برای کسب
قدرت سیاسی و استقرار دیکتاتور
نوری بیژولناریاست . فی المثل
مانه از انتشار شریه ارحان

بپولیتسیها بلکه از محتوای این
شریحات انتقاد کرده‌ایم . اعتقاد
ما به سازمانهای بپولیتسی این
بوده و هست که هیچگاه در تبلیغات
خودشان بوسیله شریحات سازمانی
شان بطور منظم و خستگی ناپذیر
طبقه کارگر را به سوسالیسم فرا
خوانده‌اند . انتقاد ما به
سازمانهای بپولیتسی اینست
که در تمام دوران فعالیت خود
هیچگاه نخواهند توانستند
یک سازمان مستحکم و ادامه‌کار
که بهترین و پیشروترین
کمونیستها را گرد هم آورده و آنها
را برای مبارزه‌ای دراز مدت
آموزش می دهد بسازند ، نه
اینکه چرا تلاش می کرده‌اند
هوادا ریشتری گردیبیاورند .

نقد سبک کار بپولیتسی نه
تنها دامنه فعالیت ما را کاهش
نمی دهد نه تنها از شور و شوق ما
در مبارزه نمی کاهد بلکه آنها را
وسیعتر و عمیقتر می سازد .
فی المثل امروز هیچ جریانسی
نمی تواند حداقل یک نشریه
منتشر نکند و یک سازمان سیاسی
جدی هم باشد . حزب ما چندین
نشریه منتشر می کند و دورا دیوی
حزبی به آگاهگری دائمی کارگران
وزحمتکشان مشغولند . این
شریحات با بده دست کارگران
برسد . کارگران با بدرا نجات
خود را عمیقاً دریا بند . در عین
حال این شریحات باید آئینه
تمام نمای دردها و مسائل

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کارگران گردد. به این خاطر لازم است از یکسوی این نشریات هر چه وسیعتر منتشر شوند، طول موج رادیوهای حزب در اختیار تعداد هر چه بیشتری از کارگران قرار گیرد و از سوی دیگر اخبار مبارزات و مسائلی که کارگران با آن مواجهند منطقی در اختیار این ارگانها قرار گیرد. اگر تبلیغ و ترویج مستمر و وظیفه‌ما کمونیستهاست پس بخش نشریه، تشویق کارگران به شنیدن رادیوهای حزبی و ارسال منظم اخبار نیز وظیفه‌ای کمونیستی است. همینطور است در مورد جمع‌آوری کمکهای مالی. حزب ما حزب کارگران است و می‌بایست با کمکهای مالی و بیوقفه خود آنها به کار خود ادامه دهد. هر آنکس که به حزب کمونیست ایران علاقه مند است و آنرا حمایت می‌کند می‌باید به رفع موانع مالی این حزب که دائماً گریبانگیر آنست همت گمارد و نه فقط خود بلکه تمام امکانات محیط خود را در این جهت بخدمت گیرد. علاوه بر اینکه کمکهای مالی خود بمعنای استحکام بخشیدن به علائق و همبستگی هواداران حزب ما حزب نیز هست.

خلاصه کنیم: مرزبین سبک کار بیولینستی با سبک کار کمونیستی در فعالیت با عدم فعالیت سیاسی نیست بلکه مرزبین این دو در روشهای فعالیت عملی - تشکیلاتی

آنهاست. تمام ارگانهای حزب کوشیده اند هر چه بیشترین تمایز را برای تمامی رفقاروشن سازند و البته این امر را ادامه خواهند داد. ما در اینجا توجه شما را به مطالعه دقیقتر تزیهاشی درباره سبک کار کمونیستی جلب میکنیم.

۴ - رفقا شی با امضای مستعار م. ل. کوچ - که سابقاً هوادار بیگانه روراه کارگرواقلیت بوده و بدنبال یک دوره مطالعه هوادار حزب کمونیست ایران گشته‌اند - طی نامه خود سؤالاتی در مورد اهمیت مطالعه، اینکه "چرا و چگونه ما مرحله انقلاب را دموکراتیک ارزیابی نموده‌ایم" و شیوه برخورد به جنبش دهقانی مطرح نموده‌اند.

رفقا!

ورود شما به صفوف هواداران حزب کمونیست ایران را شادباش می‌گوئیم. پروسه‌ای را که از سرگذراننده‌اید بطور کلی درست بوده است. تئوری و برنامه حزب کمونیست ایران بر تئوری مارکس، انگلس و لنین منکمی است و با این اعتبار قدر مسلم مطالعه آثار این آموزگاران موجبات تسهیل درک مواضع حزب کمونیست ایران را فراهم می‌سازد. آموختن مارکسیسم برای تمام کمونیستها یک وظیفه همیشگی است و همگی ما موظفیم مداوماً آگاهی کمونیستی و سیاسی

خود را ارتقاء دهیم. مسئله این نیست که ما یا با مطالعه کنیم و یا به فعالیت سیاسی - تشکیلاتی دست بزنیم. چنین ادراکی یعنی اینجا دیگر شکاف مصنوعی بین فراگیری دائمی مارکسیسم لنینیسم و در همان حال پاسخ گوئی به همه وظایف عملی، محصول کوتاه نظری خرده بورژواشی و پراتیسیسم حاکم برجریانسات بیولینستی است که در دوره شکوفاشی خود فراگیری تئوری و نیز افکندن پرتو تشکیلاتی مارکسیستی بر مازة طبقه‌های طبقه کارگرواقلیت میگرداند و پس از بحران و تلاشی این سازمانها، پراتیسیسم جای خود را به آکا دمیسیم، تردید و تزلزل و حتی ارتداد نسبت به مارکسیسم داد. برای شما که هواداران جریانسات بیولینستی مختلف بوده‌اید فراگیری مارکسیسم یک گام به پیش بوده است. شما اکنون با دیدن وظایف حوزه‌های حزبی را در دستور کار خود قرار دهید. برای پیشبرد موفقیت آمیز وظایف حوزه‌های حزبی بطور خاص و همه وظایف کمونیستی آنان بطور کلی باید موازین سبک کار حزبی را در تقابل با سبک کار بیولینستی سازمانهاشی که بیشتر از آنان هواداری می‌کرده‌اید درک کنید و این موازین نوین را با شکبهاشی بکار برسانید. به مدای حزب کمونیست ایران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک انقلابی ایران

مستمر آکوش فرادهدید. رهنمودهای آنرا با دقت بکار ببندید و ارتباط خود را با سایر این رهنمودها با ما تقویت کنید.

در مورد اینکه برسیده‌اید "چرا و چگونه مرحله انقلاب را دموکراتیک ارزیابی نموده‌اید" ما توجه شما را به ادبیات تاکنونی ما رگسیم انقلابی بویژه جزوه "محتوای پیروزی انقلاب دموکراتیک" و نیز "فداشایان خلق چه میگویند: یوپولیسیم در برنا مه حداقل" جلب می‌کنیم. مسئله اصلی که شما باید در نظر بگیرید اینست که ما انقلاب ایران را مرحله بندی نمی‌کنیم و به تئوری مراحل در انقلاب قائل نیستیم. ما معتقدیم هدف طبقه کارگر استقراردیکتاتوری پرولتاریا است. و به انقلاب دموکراتیک بعنوان پروسه‌ای که بهترین شرایط برای انکشاف مبارزه طبقاتی تا دیکتاتوری پرولتاریا را فراهم می‌سازد می‌نگریم. باین خاطر حزب ما درحالیکه بخاطر شرایط سیاسی و ذهنی موجود به طبقه کارگری آموزد که پیشاهنگ مبارزه درامور دموکراسی باشد درعین حال همدارمی‌دهد که طبقه کارگر نباید تحقق دموکراسی را به هدف نهائی خود تبدیل کند بلکه می‌باید همیشه تحت هریشرفت بسمت دیکتاتوری طبقاتی خود را در دستور خود داشته باشد.

در مورد سوال دیگران، توجه شما را به جزوه "کمونیستها و جنبش دهفائی پس از حمله امپریالیستی مسئله ارضی"

جلب می‌کنیم.

۵ - رفیق فایق پرسیده‌اند که آیا بنظر ما آلبانی یک حاکمیت مردمی دارد؟

در پاسخ رفیق باید بگوئیم که خیر. با اعتقاد ما دولت آلبانی دولت کارگران و زحمتکشان نیست. از نظر تاریخی دولت کنونی آلبانی محصول یک جنگ آزادیبخش ملی علیه نیروهای اشغالگرفاشیست است که به دنبال این جنگ و شکست نیروهای اشغالگر، طبقه کارگر آلبانی نتوانست بموضع قدرت دست یابد و در سطح جهانی تمام تلاش دولت آلبانی به دفاع از منافع ملی خود محدود میشود. بعلاوه تا آنجا که این دولت انزوا طلبی خود را کناری گذارد و در مسائل جهانی مداخله و اظهار نظر می‌کند، بیانگر حاکمیت او از جریانات خرده بورژوا - فرمیت و بعضاً مرتجع است. حزب کار آلبانی عملاً و نظراً مدافع روبریونیسیم یوپولیتیستی بوده و اپورتونیسیم سیاسی و تشکیلاتی ذاتی آن است.

۶ - رفیق رضا محمدی دوسوال مطرح ساخته که اولین آن اینست: "نظر حزب راجع به استالین چیست؟ آیا از او بعنوان یک پیرو راستین لینین یاد میشود یا بعنوان جاده‌ما فکن روبریونیسیم جدید؟" سوال دوم رفیق را پس از پاسخ به سوال اول خواهیم آورد.

رفیق عزیز!

- قدر مسلم از نظر ما رگسیتی می‌توان و با بدنش هر شخص معینی را در تاریخ ارزیابی کرد. ما رگسیم بمانی آموزد که در بررسی نقش هر شخصیت معین اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و مقدم بر آن شرایط اقتصادی و بویژه عمروجا معنای که شخصیت مذکور در آن بزمیبرده باید مینا قرار گیرد. به این اعتبار بررسی نقش شخصیت استالین نه فقط خود مستلزم بررسی همه عوامل نامبرده در شوری آن زمان است بلکه ارزیابی نقش استالین بعنوان یک شخصیت مسئله تعیین کننده‌ای برای طبقه کارگر بشمار نمی‌رود. سوال اساسی تر - نه فقط از نقطه نظر تحلیلی بلکه از نظر سیاسی و عملی نیز - روند سلطه روبریونیسیم بر حزب کمونیست شوروی و اعاده قدرت بورژوازی در آن کشور است. در این رابطه با اعتقاد ما سلطه روبریونیسیم به سالهای ۵۶ و بعد از آن محدود نمیگردد. گرچه طی این دوره روبریونیسیم حزب کمونیست شوروی بیان کاملاً آشکاری بخود گرفته و پخته تر شده است، اما با اعتقاد ما حزب کمونیست شوروی پیش از آن نیز همراه با زیربا گذاشتن مانیسی اساسی ما رگسیم - لنینیسیم با رویگرداندن از انقلاب جهانی طبقه کارگر و شرکت در تقسیم جهان به مناطق نفوذ، دست کشیدن از وظایف انترناسیونالیستی و غیره به منحلای روبریونیسیم و

اپورتونیزم در غلطیده بوده است. استالین نیز بمناسبت به یک شخصیت بسیار موثر در این راه می باید مدنظر قرار گیرد.

سوال دوم - آیا ما هدین را بصورت ضد انقلاب می نگرید یا بعنوان بورژوا - دموکرات چون اگر ما هدین را ضد انقلاب بنا مییم خرده بورژوازی ایران را جزو اردوگاه ضد انقلاب دانسته ایم.

ما ما هدین را بورژوا - دموکرات نمی دانیم و این را در آثار گوناگونی نیز ثابت کرده ایم. ما هدین امروز مدافع و سخنگوی بورژوازی لیبرال ایران و متکی به حمایت معنوی و مادی یک بخش از بورژوازی جهانی اند. ما هدین امروز در اروپا به دارو دسته های مختلف سرمایه داران جهانی وعده می دهند که اگر آنها سرکارها بپسند "نظم و آرامش" را در ایران مستقر خواهند کرد، "برقراری امنیت" در خاور میانه را پیش کش می کنند و قول می دهند که در صورت روی کار آمدن آنها "سی ترتیبی های" بعد از قیام بهمین تکرار نخواهد شد. آیا چنین نیروی را شما انقلابی و دموکرات می دانید؟ ما ما هدین را نه انقلابی و نه دموکرات می دانیم. اما ما هدین دقیقاً برای دستیابی بهمین اهداف خود از انقلاب حرف می زنند. آنها باید چنین وانمود کنند که ما بخواهیم انقلاب ایران را بگردانیم و این انقلاب را در ایران رخ دهد آنها خواهند توانست آنرا مهار کنند و نگذارند "نظم و امنیت

ما مع" یعنی نظم و امنیت مطلوب سرمایه داران بهم بخورد. با این ترتیب ما هدین انقلاب را تا آن حد می خواهند بر موج آن سوار شوند. انقلاب را می خواهند آنرا مهار، تحریف و معدوم کنند. ما هدین به انقلاب بعنوان نیروی ذخیره ای که می تواند در خدمت اهدافشان قرار گیرد و در کنار ارتش و میلیشای ما هدین (بعنوان ابزار اصلی کسب قدرت) به آنان خدمت کند، نگاه میکنند. و با اعتقاد ما افشای ماهیت بورژوازی ما هدین و طبقه خستگی نا پذیر کمونیستهاست.

اما در برخورد شما چند اشتباه وجود دارد. اول اینکه ما هدین را یک نیروی سیاسی خرده بورژوازی و بالاتر از آن کلید دار خرده بورژوازی ایران در نظر نمیگیرید. با اعتقاد شما هر قضاوتی نسبت به ما هدین عیناً به خرده بورژوازی بطور کلی قابل تعمیم است. این نه تنها در مورد رابطه احزاب سیاسی با طبقات اجتماعی بطور کلی صحیح نیست، بلکه این امر بویژه در مورد نیروهای سیاسی خرده بورژوازی اشتباه بتوان دو است. بعلاوه شما از پیش خرده بورژوازی را در کلیت آن در صف انقلاب قرار داده اید (در حالیکه چنین تصویری صحیح نیست) و سپس با مفروض داشتن ما هدین بعنوان یک نیروی خرده بورژوا، با این تناقض مواجه شده اید که چگونه یک نیروی خرده بورژوازی می تواند دموکرات نباشد، ما علمه کلیشه سازی از پیشی مقولات بطور کلی و علمه گرایشات کلاسیک در

خرده بورژوازی شما هشدار می دهیم و توجهتان را به آموزش کلاسهای مارکسیسم در این رابطه جلب می کنیم. در عین حال پیشنهاد می کنیم یکبار دیگر به مقاله های کمونیست بویژه شماره های ۲، ۳ و ۵ آن مراجعه کنید.

۷ - رفیق فرانک نیز ضمن سوالی با مضمون سوال دوم رفیق رضا محمدی، اضافه کرده است: "من فکرمی کنم از آنها (در مقابل نیروهای ضد انقلاب امریکائی) باید حمایت شود نه اینکه آنها را با یک چوب همراه بورژواها راند. آیا تفرقی بین آنها و بختیار نمی بینید؟"

ما در پاسخ رفیق می گوئیم: ما نه فقط به تفاوت بین ما هدین و بختیار بلکه به تفاوت بین بختیار و امینی، اختلاف هردو شان با راضی پهلوی و غیره و غیره توجه داریم. اما این چه مسأله مهمی را حل می کند؟ ما از شما می خواهیم که مقدمتاً به خلط مشترک طبقاتی آنها توجه کنید. ما به همین کارگران می گوئیم که تمام می اینها نماینده بورژوازی ایران و نیروهای اند که نقش تاریخی شان جزاً با شرایط سیاسی مطلوب برای استعمار کارگران جبر دیگری نیست. اما شما اختلافها و خرده اختلافهای بین نیروهای مختلف بورژوازی را با نشان میدهید. شما می پرسید ما هدین بدترند یا بختیار و ما می گوئیم هر دو بدترند. وظیفه طبقه کارگران نیست

که از میان جناح‌های مختلف سرمایه‌داران یکی را انتخاب کند و از این در مقابل آن دفاع کرده و یکی را در مقابل دیگری تقویت نماید. برعکس طبقه کارگر با بدمدافعان سرمایه و سرمایه‌داری را در هر لباس و با هر لقبی که بخود می‌دهند بشناسد و در مقابل تمامی آنان اهداف و آرمان‌های خود را به پیش ببرد. و وظیفه کمونیست‌هاست که در این راه پیشاهنگ و یار و یاور طبقه کارگر باشد. طبقه کارگر با بدمدافعان خود متکی باشد و به هیچ جناح سرمایه‌داری تحت هیچ شرایطی دل نبندد. هر حرکتی در این جهت و منجمله موضع شما در تبریز حمایت از محافل همدین در مقابل ضد انقلاب آمریکا و غیره، ایجاد تروم در میان کارگران و خاک پاشیدن در چشم آنهاست. باید توجه داشته باشید که طبقه کارگر با هر حمایتی که از این یا آن نیروی بورژوازی می‌کند، دشمن طبقه‌ای خود را تقویت مینماید.

۸ - یکی از رفقای هوادار حزب کمونیست ایران در یکی از شهرهای گیلان طی نامه‌ای ضمن اشاره به سابق فعالیت خود (هوادار سابق سازمان پیکار) و رفیق دیگر (هوادار سابق اقلیت) اظهار علاقه هر دو را می‌نماید و به کردستان و مبارزه در صفوف پیشمرگان کومله‌ها اشاره و در همین حال تصمیم نهایی در این مورد را به ارکان‌های دیمساح حزب واگذار نموده تا موافقت یا مخالفت خود را با پیشنهاد آن

با اطلاعشان برسانند.

■

رفقا! بدیهی است هر جناح مبارزه انقلابی و طبقه‌ای هست، کمونیست‌ها یعنی به آگاه‌گران و سازمان‌دهندگان توده‌های هم طبقه خود و برای خدمت به امرهای آنان با بددربیشا پیشاپیش مبارزات قرار گیرند. لذا همانطور که میدانید علاوه بر کردستان تا کنون رفقای زیادی از دیگر نقاط ایران به صفوف پیشمرگان کومله پیوسته و اکنون نیز در صف مقدم مبارزه انقلابی و کمونیستی در کردستان یعنی در سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومله) به مبارزه ادامه می‌دهند و بنا بر این کوششها و پیشنهادات شما برای ادامه فعالیت انقلابی و کمونیستی تا آنجا همچون رفقای مزبور قابل ارج است. در همین حال این را نیز میدانید که عرصه‌های مبارزاتی حزب کمونیست ایران تنها به کردستان و رهبری جنگ ملحانه انقلابی خلق محدود نمیگردد.

حزب کمونیست ایران، وظیفه خود را سازماندهی طبقه کارگر در راه نابودی نظام سرمایه‌داری و تبدیل به سوسیالیسم قرار داده است. در این رابطه کردستان تنها یکی از سنگ‌های ماست. ما باید به ایجاد دستکرها و دژهای هر چه محکمتر و وسیع‌تر از مبارزات سازمان‌یافته توده‌های طبقه کارگر در سراسر ایران دست زنیم. از بی‌روسی که تبلیغ و بی‌روسی اهداف و سیاست‌های حزب در میان توده‌های بی‌ولت و سرمایه‌دهی

آنان برای رهائی از جور و ستم سرمایه‌داری و امپریالیسم، و وظیفه‌های حیاتی، تعطیل نا پذیر و درجه اول برای هر رفیق عضو و با هوادار حزب در سراسر ایران محسوب میگردد. بدیهی است انجام این وظایف برای رفیقی که از مدت‌ها قبل با شرایط محیط زندگی و مبارزه خود آشنا بوده و بطور طبیعی بسیاری از مشکلات امنیتی و برقراری ارتباطات اجتماعی و توده‌ای برای او حل شده است، آسانتر و مطمئن‌تر و سریع‌تر از انجام آن از سوی رفیقی است که هنوز از این شرایط مقدما تی فعالیت برخوردار نیست.

بنا بر این توصیه ما به شما و رفقای دیگری که در وضعیت مشابهی مانند شما هستند اینست که روابط خود را با توده‌های کارگر گسترش دهید، اهداف و سیاست‌های حزب کمونیست ایران را با آنان بشناسانید، آنها را در حوزه‌های حزبی و کمونیستی متشکل کنید، اخبار و گزارشات مربوط به زندگی و مبارزات توده‌های کارگر و زحمتکش و نتایج فعالیت‌های خود را با اطلاع حزب برسانید و بطور خود را با حزب ادامه دهید و بطور خلاصه بر طبق رهنمودهای مختلف حزب عمل کنید. پیروز باشید.

۹ - رفیق م. خواسته است درباره تفاوت بین حداثی و مذهب از دولت وحدانی مذهب از سیاست توضیح دهیم.

■

رفیق عزیز!

ما قطعاً درستون پاسخ

نامه‌ها فقط می‌توانیم بطور مختصر با این ساله‌ها سخن بگوئیم. امیدواریم در آینده بتوانیم این ساله‌ها را شروح‌تر توضیح دهیم. مقدمتا باید بگوئیم که این دومطلبه، که نیروهای سیاسی مختلفی بویژه مباحثین می‌گویند آنرا منطبق برهم جلوه دهند، با اعتبار معنای عملی و سیاسی شان دومطلبه‌ها کاملاً متمایز از یکدیگر می‌توان گفت متفاوتهند. جدائی مذهب از دولت یک خواست دموکراتیک است در حالیکه جدائی مذهب از سیاست یک مطالبه لیبرالی و عوام‌فریبانه است.

چنانکه میدانیم مذهب مانند هر ایدئولوژی دیگری مهر طبقاتی معین بر خود دارد و در خدمت منافع مادی و زمینی طبقات معینی است. کلیه مذاهب یا کتمان منشاء واقعی دردهای بشری و ستمی که بر همه رنجبران می‌رود، یا وعده یک زندگی راحت پس از مرگ بجای مبارزه برای تغییر زندگی واقعی زمینی، یا ایجاد تکاف و تفرقه در میان همه رنجبران بر حسب تعلقات مذهبی آنان، یا مخالفت همیشگی شان با هرگونه رشد و تعالی علمی و فرهنگی بشری در طول تاریخ در خدمت طبقات استعمارگر و در این دوران در خدمت طبقه سرمایه‌دار قرار دارند. این نقشی است که هم امروز مذهب گوناگون در کشورهای مختلف - علیرغم هر شکل حکومتی شان - بعهده دارند. مذهب نیمه‌دورزای امپریالیستی بودائیم در هند، اسلام در

ایران و عربستان، مسیحیت در لهستان و آمریکا در آسان همان نقش واحدی را دارند که مثلاً آئین کلیسیا در اسرائیل، این نقش واحدی را تا انا عه‌جهل و خرافه، ایجادشکاف در میان کارگران، فراخواندن کارگران به نکیبائی و برداری در برابر ستم و استثمار طبقات دارا و در یک کلام تحکیم و تقدیس روابط استعمارگرانه کنونی است. به این ترتیب ملاحظه میشود که مذهب با اعتبار مکانش در مناسبات اجتماعی انسانها یک پدیده طبقاتی و با این اعتبار سیاسی است. بنابراین معلوم میگردد که خواست جدائی مذهب از سیاست یک خواست بوج و بی معناست. جدائی مذهب از سیاست - یعنی اینکه مذهب نقش و کاربرد سیاسی نداشته باشد - عملاً به این معناست که مذهب دیگر مذهب نباشد.

اما گمانیکه جدائی مذهب از سیاست را حارمی زنده آمدنهای اجعی نیستند. بلکه آگاهانه قصد تحقق دیگران را دارند. بورژواها با طرح شعار جدائی مذهب از سیاست چه اهدافی را سعیت می‌کنند و معنای عملی شعار آنها چیست؟ منظور دارو دسته‌های سرمایه‌داران از جدائی مذهب از سیاست، عدم دخالت مذهب و دستگاه روحانیت در امور دولتی است. همینکه دست روحانیون از قدرت دولتی کوتاه باشد، همینکه تعویب قوانین مسلم انطباق آنان با آفات و روایات مذهبی نباشد، کامیست با بورژواها اعلام کنند که مذهب

از سیاست جداست، در حالیکه این یک دروغ محض است. مذهب حتی اگر در امور دولتی دخالت نکند همچنان دارای نقش و کاربرد سیاسی است. هر مذهبی هر اندازه هم که به یک امر شخصی یعنی به واسطه بین فرد و مراعات الطبیعه تبدیل شده باشد با زهم در بعد اجتماعی یک پدیده سیاسی است. این امریست که اگر سرکسوب و ستم اسلامی سرمایه‌داران در ایران کسی را گنج نکرده باشد کاملاً قابل فهم است. امروز علیرغم اینکه مذهب در بسیاری از کشورهای اروپائی امر خصوصی اعلام شده اما مذهب و کل سلسله مراتب کلیسایی در خدمت دولتها و اربابان سرمایه است. این نکته است که کارگران ایران با بدکا ملا بخاطر بسیار رنجد، بورژواهایی که جدائی مذهب از سیاست را موعظه می‌کنند از یکطرف می‌گویند تا انا عه‌این فکر که گویا مذهب می‌تواند از سیاست جدا باشد کارگران و زحمتکشان را فریبند و از سوی دیگر با راندن سلسله مراتب روحانیت از قدرت دولتی و قرار گرفتن عناصر غیر مذهبی در قدرت دولتی زمینه دخالت و کارگیری مذهب از جانب دولت غیر روحانی را فراهم کند. تمام بورژواها به‌عین و کارکرد طبقاتی مذهب آگاهند و طرقداران جدائی مذهب از سیاست نگران آنند که مذهب با دخالت خود در سیاست و امور زمینی، حطت روحانی و رازآمیز خود را از دست بدهد و با افشای سرشت واقعی اش از خود تائیر

آن در میان کارگران و زحمتکشان کاسته شود. این نکته است که سخیگویان سرما به داران بارها بآن اشاره کرده اند و علمیه دخالت مذهب در سیاست به خود "حضرات روحانیون" هشدار داده اند. بطور خلاصه آن دارو دسته بورژوا هائی که جدائی مذهب از سیاست را وعده میدهند، در برابر دولت فطری در ایران - که عناصر "مکلا" یعنی تکنوکرات ها و بوروکرات ها تحت اتوریته و اقتدار دستگاه مذهبی اند - دولت نوع آریا مهری را می خواهند که گل دستگاه روحانیت آستانه نبوس آن بود.

اما خواست جدائی مذهب از دولت به چه معناست؟ بهتر است به این نکته اشاره کردیم که مذهب در همه جا اساساً در خدمت طبقات دارا و سیاستهای آنان قسراً دارد؛ چه در ایران با حکومت جمهوری اسلامی اش و چه فی المثل در سوئیس لیبرال. اما این اصلاً با این معنا نیست که مذهب در همه جا دارای وزن و کاربرد یکسانی است و به یک شکل در خدمت استخمارگران است. امروز اسلام در ایران نه فقط مانند هر مذهب دیگر همچون شریاک، ایزار، نخدیر و به تسلیم کشیدن کارگران است بلکه مینای فانونسی و پوشش ایدئولوژیک ها و تریسین حکومت سرما به نیز هست.

اگر خرافات مذهبی در خدمت فریب و به تسلیم و گون کشیدن کارگران و زحمتکشان است و این افیون مرتباً هر روز و هر سال توسط ارگانهای دولتی انا عمه

داده میشود باید خواستار این شد که هیچ دولتی از تبلیغات مذهبی حمایت مادی نکند و ارگانهای دولتی در خدمت انا عمه این خرافات نباشد. اگر مذهب رسمی یک ستم آشکاره همه کارگران و زحمتکشان است و هر آن کس که بخواهد در برابرین جهل، علم و علمی اندیشیدن را قسراً دهد و کارگران را آگاه کند بسا مجازات مرگ کیفر داده میشود باید خواستار دولتی شد که حقوق تعقیب و مجازات علیه هرگونه اعتقاد مذهبی و با نداشتن مذهب و تبلیغات ضد مذهبی را نداشته باشد. اگر امروز مذهب رسماً در ابتدائی ترین سنین در دبستانها و دبیرستانها بزرگ و کوچک کسان حقنه میشود و دستاوردهای علمی بشریت بجا طرفدیتشان با مذهب سانسور میشوند پس باید خواستار جدائی مذهب از تعلیم و تربیت شد. اگر مذهب موجب ایجاد تفرقه در میان کارگران و زحمتکشان میشود باید خواستار دولتی شد که نسبت به هرگونه مذهب و داشتن و با نداشتن هر عقیده و مذهبی بی تفاوت باشد و حق پرسش و تحقیق در باره عقیده با نداشتن عقیده به مذهب را نداشته باشد. اگر سلسله مراتب مذهبی و نهاد های مذهبی به وسیله ترین شکل توسط دولت تعدیه میشوند و سلسله مراتب مذهبی همچون سلسله مراتب ارتش و سوروکراسی دارای مزایای مادی و اقتدار سیاسی است، باید خواستار دولتی شد که هیچگونه حمایت مادی از سلسله مراتب مذهبی و نهاد های مذهبی

بعمل نیاورد. دولتی با جنبش مختصاتی، دولتی است که از مذهب حد است و این اولین گام، تا کیدمی کنیم اولین گام در راه رهایی بشریت از این جهل و تنهایی است. باید گرفتار کید می کنیم هر اندازه دولست از مذهب جدا شده باشد باز هم مذهب همچنان دارای نقش و کارکرد سیاسی خواهد بود. با توجه به این ملاحظات است که حزب ما در برابر دولت مذهبی فطری و هر دولست مذهبی دیگری و در تقابل بسا عوام فریبی بورژواها دایر بر جدائی مذهب از سیاست، خواست جدائی مذهب از دولت را در بخش حداقل برنام خود گنجا داده است.

۹۰ - پاسخ به نامه رفیق سیران (از ارومیه):
رفیق! نامه دوم شما را دریافت کردیم. در مورد چگونگی ارسال نامهتان توجه شما را به رهنمودهای امنیتی که از صدای حزب کمونیست ایران بخش میشود جلب می کنیم. جدول رمز خودتان را با مراعات کامل و دقیق موازیستی که از صدای حزب کمونیست اعلام می شود برای ارسال دارید. در مورد وظایفی که امروز عهده شماست نیز رهنمودهای ما مکرراً از صدای حزب بخش خواهد داد را به این رهنمودها و اتخاذ کمترین احتیاط نا بدسر آنها جلب می کنیم. با اعتقاد ما جزو وظایف حوره ها باشد در صدر وظایف شما قرار گیرد.

۹۱ - رفیق D. Z. (ز. د. د.)

نامه‌های حاوی بریده‌هایی از روزنامه‌های مکیهان و چند خبر از جمله اخباری راجع به وضعیت اقلیتها در ایران برابیمان فرستاده و ضمناً نکات و سوالاتی را مطرح نموده است .

رفیق !

اخباری که فرستاده بودید برایمان کاملاً قابل استفاده بود . توجه داشته باشید که حزب کمونیست می‌باید کارگران را از هر قسمتی که بر توده‌های مردم می‌رود آگاه کند و توده‌های طبقه کارگر را به حمایت از مبارزات دموکراتیک و انقلابی توده‌های تحت ستم غیرپرولترترغیب نماید . علاوه بر حزب کمونیست باید به تمام کسانی که به اشکال گوناگون تحت ستم و سرکوب سرمایه و دولت مدافع آنند راه برون رفت از این ستمها و هم سرنوشتی آنان با طبقه کارگر را با آنان نشان دهد . باین خاطر ما نه فقط به اخبار کارگران بلکه به اخبار مبارزات توده‌ای بطور کلی و نیز اخبار روگزارشهایی که انواع ستمهایی را که بر توده مردم می‌رود در خود منعکس میسازد ، نیاز داریم .

۱۲ - رفیق آزاد! نامه‌تان رسید . منتظر اخبار روگزارشهای شما هستیم .

۱۳ - رفیق حمید احمدزاده گزارشی از چگونگی فعالیت تبلیغاتی خود و رفقای پیش دربارہ تحریم انتخابات ، آزادی زندانیان سیاسی و قطع جنگ فرستاده و ضمناً تقاضای ارسال

نشریات حزب کمونیست را نموده است .

■

رفیق حمید! از ابتکارات عملی که در فعالیتهای تبلیغاتی خود نشان داده‌اید ، استقبال می‌کنیم . برای دریافت نشریات حزب ، مطابق رهنمودهای صدای حزب کمونیست ایران عمل کنید .

۱۴ - پاسخ به رفیق ا . ه . دهقانی (از لرستان) :

رفیق ! شعاری که در مورد جامعه سوسیالیستی و کمونیستی نوشته‌اید ، اشتباه است . برای تصحیح اشتباه خود میتوانی به " اصول کمونیسم " و " مانیفست کمونیست " مراجعه کنید .

۱۵ - رفقا : م . ا . از کرج ، ن . ع . (هوادار سابق پیکار) از تهران ، هبوا ، مرتضی بزرگر ، عباس ج . (حاوی اخباری از لندندور ، زامیاد ، جالوس و یزد) ، ش . لاله ، علی ، آرمان ، بریمنان ، م . ی . و ش - ۵ از کردستان ، بهمن ی . ، سولمازا ، فواد ب . و بلشویک ! نامه‌هایتان که حاوی گزارشات ، انتقادات و پیشنهادات ارزنده‌ای بود بدستمان رسید . دست همگی‌تان را گرمی میفشاریم و درانتظار نامه‌های بعدیتان هستیم .

۱۶ - رفیق م . عزت کرمانشاهی طی نامه خود نکاتی درباره شور و برتری آن بشر اتحادیه مطرح ساخته است . توجه رفیق رابه مقاله " سندیکالیسم در یوش سرج " (بویزه قسمت دوم آن) که در نشریه کمونیست آمده جلب می‌کنیم .

۱۷ - رفیق مصطفی فرزاد ! نامه‌های شما حاوی گزارش و نوشته خطاب به کارگران لندندور دریافت شد .

۱۸ - رفیق رضا ! نامه دیگر شما را دریا فست کردیم در پاسخ به سوالها پتان با ید بگوئیم :

۱ - در مورد چگونگی آدرس برای دریافت جزوه‌ها و نشریات حزب بطور خاص و شیوه نامه نگاری برای ما بطور کلی توجه‌تان رابه ضوابط امنیتی که مکرراً از صدای حزب کمونیست ایران پخش میشود جلب میکنیم .

۲ - مصوبات کنگره اول حزب کمونیست ایران پیشتر از صدای حزب کمونیست ایران پخش شده است . پیشنهاد شما را بر پخش مجدد آن را در اختیار رفقای مسئول صدای حزب کمونیست ایران قرار دادیم .

۱۹ - رفیق آ . کاوه . سحر ! نامه رفیقانه شما را دریا فست کردیم . توجه‌تان رابه نوشته‌ای که در همین شماره کمونیست آمده است جلب می‌کنیم .



کمونیست

ارکان مرکزی حزب کمونیست ایران

ما هانه منتشر میشود :

- هیات تحریریه :
- حمید تقواشی
- منصور حکمت
- شعب زکریائی
- حبیب فرزاد
- رضا مقدم

کارگران جهان متحد شوید !

بانشریه کمیته

مدای حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

اخبار، گزارشات، و نظرات خود را از طریق که مناسب میدانید به نشانی های زیر برای ما بفرستید:

— آدرس انگلستان

BM. BOX 3123
LONDON WC 1N 3XX
ENGLAND

— آدرس آلمان

POST FACH 501142
5000 KÖLN 50
W. GERMANY

— آدرس ایتالیا

SH. I
C.P. 1064
10100 TORINO
ITALY

لازم است از نوشتن اطلاعاتی که میتواند باعث شناسایی افراد و یا امکان آنها از طرف پلیس شود، در نامه ها و روی پاکت ها خودداری کنید. همچنین بهتر است برای اطمینان بیشتر از رسیدن نامه ها بدست ما، از هر نامه حداقل دو نسخه بطور جداگانه ارسال کنید.



صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۴۹ متر و ۶۵ متر
ساعات پخش: شنبه تا ۵ شنبه: ۹ بعد از ظهر و ۶:۲۵ صبح
جمعه ها: ۸ صبح و ۹ بعد از ظهر

طول موجها و ساعات پخش مدای حزب کمونیست ایران را به اطلاع همه برسانید



صدای انقلاب ایران

طول موجهای: ۴۴ متر و ۶۵ متر
ساعات پخش: بعد از ظهر: ۱۲:۲۵ تا ۱:۳۰ بزبان کردی
۱:۳۰ تا ۲ بزبان فارسی
عصر: ۶ تا ۶:۲۵ بزبان کردی
۶:۲۵ تا ۷:۱۵ بزبان فارسی

در صورت نداشتن ارتباط مستقیم با فعالین حزب، کمکهای مالی خود را میتوانید به حساب بانکی زیر در خارج کشور ارسال کنید:

ANDEESHEH (اندیشه)
C/A 23233257
NATIONAL WESTMINSTER BANK
75 SHAFTSBURY AVENUE
LONDON W1V8AT
ENGLAND

زنده باد سوسیالیسم!